

حکمرانی انقال در مدیریت

زنجیره ارزش صنعت

پتروشیمی کشور

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۴
مقدمه.....	۵
فصل اول. صنعت پتروشیمی کشور.....	۹
۱.۱. وضعیت کنونی صنعت پتروشیمی کشور.....	۱۰
۱.۱.۱. وابستگی بالای سرمایه گذاری صنعتی به سرمایه گذاری صنایع شیمیایی.....	۱۲
۲.۱.۱. تدوین برنامه راهبردی توسعه صنعت پتروشیمی.....	۱۶
۳.۱.۱. اولویتهای سرمایه گذاری برای افزایش توازن زنجیره محصولات پتروشیمی کشور.....	۱۷
۲.۱. وضعیت مالکیت صنعت پتروشیمی کشور.....	۱۹
۱.۲.۱. شکست های بازار در صنعت پتروشیمی ایران.....	۲۰
۳.۱. تحولات نرخ ارز و ارتباط آن با ریسک سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی.....	۲۱
۴.۱. روند بازدهی سهام در صنعت پتروشیمی.....	۲۳
۵.۱. وضعیت بازارهای محصولات پتروشیمی.....	۲۴
فصل دوم: انفال و گستره آن.....	۲۸
۱.۲. انفال و انواع آن.....	۲۸
۲.۲. مالکیت انفال و نظریه وحدت مالکیت عمومی و مالکیت امام.....	۳۳
۳.۲. لزوم گسترش سیطره انفال.....	۳۳
۴.۲. موارد مصارف انفال.....	۳۵
۱.۴.۲. اصل توزیع و مصرف انفال در عصر غیبت.....	۳۵
۲.۴.۲. توجه به آبادانی و عدم تعطیل منابع انفال.....	۳۷
۳.۴.۲. مصرف نفت و گاز به مثابه انفال.....	۳۸
۴.۴.۲. ارزش افزوده بیشتر مبنایی برای واگذاری منابع انفال.....	۳۹

- فصل سوم: تطبیق نیازهای اقتصادی جامعه با تفکرات اقتصادی اسلام ۴۱
- ۱.۳. لزوم شناسایی و استفاده از نظریات انفال در مدیریت صنعت کشور ۴۲
- ۲.۳. عدم تخصیص انفال به گروه های خاص ۴۵
- ۳.۳. افزایش اشتغال و لزوم بخش انفال در صنایع پایین دست برای عمومیت بیشتر ۴۶
- ۴.۳. قوانین وزارت نفت برای گسترش در زنجیره ارزش ۴۷
- ۱.۴.۳. حساب ذخیره ارزی ۴۷
- ۲.۴.۳. افزایش ظرفیت محصولات پالایشی و پتروشیمیایی ۴۸
- ۳.۴.۳. سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی ۵۰
- ۴.۴.۳. قانون برنامه پنجم توسعه ۵۰
- ۵.۴.۳. قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت ۵۱
- فصل چهارم: سیاست های توصیه ای در جهت مدیریت انفال در زنجیره ارزش ۵۳
- ۱.۴. صندوق و شرکت سرمایه گذاری از مالیات بر درآمد پتروشیمی ۵۴
- ۲.۴. مشوق های مالیاتی در مسیر توسعه صنایع میان دستی و پایین دستی پتروشیمی ۵۶
- ۳.۴. عدم تطابق سیاست های تجاری با سیاست های توسعه ای در صنعت پتروشیمی ۶۰
- ۴.۴. هم مسیری با روند بازارهای جهانی به مثابه مصالح عامه ۶۲
- ۵.۴. تعارضات سازمانی مانعی در مسیر توسعه صنعت پتروشیمی ۶۳
- ۱.۵.۴. تعارضات و ناهمانگی میان وزارتین نفت و صمت ۶۳
- ۲.۵.۴. تعارض راهبردها ۶۴
- ۳.۵.۴. سازوکارهای نابرابر در قیمت گذاری خوراک گازی و مایع ۶۸
- ۶.۴. تمرکز بر برنامه های عمرانی نه توسعه ای ۶۹
- منابع: ۷۲

از ابتدا تا کنون مطالعات فراوانی بر روی مباحث مرتبط با صنایع بالادستی نفت و گاز از جهات مختلف فنی و اقتصادی صورت گرفته و جایگاه آنها در فضای اقتصادی کشور به صورت کامل و شفاف بیان شده است ولی هرچه به صنایع پایین تر در فضای نفتی نزدیک می شویم، میزان تمرکز و توجه به مراتب کمتر میشود، این درحالی است که دنیا در صنعت نفت از صنایع بالادستی نفت و گاز فراتر رفته و حتی از عصر صنعت پالایشگاهی و پتروشیمی های بالادستی و با پیچیدگی اندک هم گذشته و به صنایع پیچیده پتروشیمی مانند پتروپالایشگاه ها و صنایع پایین دستی پتروشیمی همچون پلیمرها و پلاستیک ها روی آورده است؛ قواعد حقوقی و فقهی که برای صنایع نفت و گاز تبیین و تصویب شده، مسیر حرکت را برای سیاست های اقتصادی و حاکمیتی و در یک کلمه حکمرانی صحیح برای این صنایع را میسر کرده و تنها مسئله آنها، یافتن ابزار های بهتر و کارآمدتر در راستای استفاده بهینه از این منابع است، ولی در صنایع پایین دستی، قواعد مشخص حقوقی و فقهی در مسیر سیاست گذاری درست برای ورود هرچه بهتر و بیشتر بخش خصوصی و بخش تعاونی را تبیین و تعیین نکرده ایم و جایگاه معینی در فضای اقتصادی کشور برای آن مشخص نشده است، این خلاء در قانونگذاری در حوزه صنایع پایین دستی نفت و گاز باعث شده تا در بسیاری از سیاست های مالی و اقتصادی کشور، تمرکز کمتری از جانب سیاست گذاران و مشاوران متخصص مشاهده شود؛ از طرفی غالب مطالعاتی که در این حوزه انجام گرفته بیشتر جنبه فنی داشته و قواعد لازم برای بسترسازی صحیح در راستای استفاده از منابع طبیعی در مسیر صنایع پایین دستی ایجاد نشده است، همین علت باعث شده که در این نوشتار از دید قانونی و در قالب انفال، مبانی لازم در جهت بسترسازی حکمرانی صحیح و مطابق با شرایط اقتصادی کشور در مسیر توسعه صنایع پایین دستی بیان شده است.

ثروت های زیادی در طبیعت وجود دارد که از اهمیت بالایی برخوردار هستند و خیلی از افرادی که در این مناطق زندگی می کنند، به دنبال استفاده از آنها در مسیر مسائل اقتصادی هستند، در این بین منابعی مانند نفت و گاز در یک قرن اخیر اهمیت بالایی پیدا کرده و در مصارف مختلفی از جمله انرژی مورد استفاده قرار گرفته که به مرور زمان در جهت تولید کالا و محصولات نهایی هم مورد استفاده قرار گرفته است و به تبع آن همیشه کشورها به دنبال تصاحب منابع نفت و گازی بیشتری بودند؛ اما حال این پرسش مطرح می شود که تصمیم گیری در مورد میزان و نحوه توزیع این ثروت عظیم و درآمدهای حاصل از آن، از چه اصول و ضوابطی تبعیت می کند؟ به عبارت دیگر، اختیارات حاکم اسلامی و اصول حاکم بر توزیع منابع طبیعی کدام اند؟ روشن است که پس از تبیین این اصول، می توان به سیاست گذاری هایی اقدام نمود که با مبانی غنی شیعی سازگار باشد. اهمیت این موضوع، از آنجا ناشی می شود که با پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی و استقرار ولی فقیه در مسند حکومت، انجام پژوهش هایی جامع پیرامون فقه حکومتی علی الخصوص در زمینه مسائل جدید جامعه اقتصادی و اجتماعی، ضرورتی غیر قابل انکار است. از طرف دیگر، توزیع و واگذاری بخش هایی از منابع طبیعی، بخصوص پس از ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی کشور از سوی رهبر معظم انقلاب که طبق آن، جهشی در خصوصی سازی منابع دولتی ایجاد شد، یکی از مسائل مبتلا به کشور است و این بر اهمیت بررسی این موضوع می افزاید.

اقتصاد اسلامی مانند سایر قوانین مربوط به عبادات و اخلاقیات و سیاست، براساس دقیق ترین اصول عقلی و علمی قرار گرفته، به طوری که علاوه بر اینکه فطریات و اقتضای طبع و خواست طبیعی هر انسانی را برآورده می سازد، جامعه را نیز با هماهنگی کامل می تواند بدون ایجاد معضلات اداره کند، در میان این اصول، یک اصل کلی در اقتصاد اسلامی اینگونه می باشد که اسلام نمی خواهد تمام اموال و ثروت ها در دست عده ای خاص متمرکز شود اموال و ثروتها در جامعه در دست آنان بگردد و تنها آنها از تنعمات و رفاه کامل جامعه استفاده برند و دیگران صرفاً نظاره گر آنها باشند. به عبارت دیگر اسلام می خواهد جامعه را از لحاظ اقتصادی و توزیع ثروت، متعادل نگاه دارد و مانع از این بشود که جامعه به دو قطب ثروتمند و فقیر تقسیم شود، اسلام می خواهد ثروت مثل گردش خون در رگها به طور متعادل، تغذیه همه اجزا و اعضا جوارح را به مقتضای نیاز انجام دهد؛ از آنجایی که

منابع نفت و گازی از اهمیت بالایی در حوزه های اقتصادی برخوردار می باشند و از آنجایی که این منابع در حال هدایت به سمت توسعه صنایع پتروشیمی می باشد بنابراین باید مطالعاتی در جهت تعمیم احکام مدیریتی اقتصاد اسلامی متناسب با نیازهای جدید جامعه از جمله پیشرفت های جدید صنایع به خصوص در صنعت پتروشیمی صورت گیرد. بنابراین باید به مسائل توزیع عادلانه و مبنای فکری موجود در آن دقت کرده و آنها را متناسب با نیازهای جدید صنعتی و صلاحیت و هدایت درست آن مورد بررسی قرار داد.

صنعت پتروشیمی به عنوان یکی از بخش های مهم اقتصاد بوده که با در اختیار داشتن سیستم توزیع، تولید کشور و با برخورداری از دانش فنی و داشتن درآمدهای ارزی، می تواند یکی از پیشرانها در حصول اهداف اقتصاد مقاومتی باشد. صنعت پتروشیمی به عنوان زیرمجموعه ای از صنعت نفت کشور که بیشترین حجم صادرات و ارزش افزوده محصولات غیرنفتی را به خود اختصاص داده است، با در اختیار داشتن مجموعه ای از پیشرفته ترین تجهیزات مکانیکی و ابزار دقیق و با تولید میلیونها تن محصول پلیمری و شیمیایی، نقش اصلی را در تأمین خوراک صنایع پایین دستی، نساجی، الیاف، روغن های صنعتی و دیگر محصولات داشته و در جایگزینی واردات کشور موثر بوده است. این صنعت با تولید انواع پلی اتیلن و پروپیلن و عرضه این محصولات به بازار داخلی، به صورت غیرمستقیم امکان اشتغال بیش از دو میلیون نفر را فراهم کرده است.

صنعت پتروشیمی، ۳۸ درصد از صادرات غیرنفتی و ۵۰ درصد از صادرات صنعتی را به خود اختصاص داده بنابراین بعد از صنعت نفت دومین صنعت تاثیرگذار در اقتصاد کشور می باشد. از این رو افزایش تمرکز بر آن و تلاش برای مقاوم سازی صادرات محصولات حاصل از آن سد محکمی در برابر تحریم های خصمانه دشمنان خواهد بود. براساس آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی، ارزش صادرات محصولات پتروشیمی از ۹۸۶۹ میلیون دلار در زمان ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی (در سال ۱۳۹۲) به ۱۴ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است. همچنین در این بازه زمانی، مقدار وزنی صادرات این محصولات از ۱۲/۸ میلیون تن به ۴۲ میلیون تن افزایش یافته است. صادرات محصولات پتروشیمی تا سال ۱۳۹۰ یک روند افزایشی داشته اما بعد از این سال و به دلیل اعمال تحریم های اقتصادی شدید علیه ایران، میزان صادرات این محصولات کاهش داشته و روند نزولی را

نسبت به روندهای جهانی داشته است؛ به طوریکه از لحاظ ارزش صادرات، بعد از ۶ سال به میزان سال ۱۳۹۰ یعنی ۱۵۱۷۷ میلیون دلار نرسید.

در صنعت پتروشیمی کشور به دلیل برخی ویژگی های ساختاری باعث شده که نفت و گاز وارد شده در این چرخه در ابتدا به محصولات ابتدائی تبدیل شده و این محصولات به ترتیب به عنوان خوراک در دیگر زنجیره محصولات وارد شوند اما مسئله اینجاست که با جلو رفتن در زنجیره محصولات این صنعت، مشکلات و مسائل زیادی ایجاد شده که نیاز به تمرکز و صرف زمان بیشتری دارد به همین دلیل سرمایه گذاران تمایلی به حرکت در زنجیره این محصولات نداشته و تنها به میزان سودآوری در مرحله ابتدایی چرخه صنعتی بخصوص صنعت پتروشیمی بسنده می کنند این در حالی است که این نوع رفتار به عنوان نیمه خام فروشی مطرح شده و تنها یک پله از خام فروشی بالاتر می باشد و ارزش افزوده و ارزش صادراتی بسیاری از دست می رود، البته از جمله عوامل تاثیرگذار در این زمینه تعارض منافع حاصل از مالکیت ها و خصوصی سازی ها بوده که عمدتاً بدون اصول اقتصادی دقیقی انجام شده اند، چرا که تجربه نشان داده است که آنها بیشتر به دنبال کسب سودهای نسبتاً زیاد و با صرف کمترین زمان و هزینه می باشند تا سود صاحبان سهام خود را به موقع و به دور از هرگونه چالش بپردازند و دغدغه کمتری در جهت توسعه زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی کشور دارند، ما در اینجا به بررسی نظام حاکمیتی و مالکیتی رایج و مطلوب در این صنعت پرداخته و با توجه به تشریح مسائل موجود در این زمینه راهکار مدیریتی مناسب در جهت مدیریت زنجیره ارزش این صنعت متناسب با اصول حاکمیتی اسلامی پرداخته و به صورت کامل شرح خواهیم داد.

از بزرگترین معضلات موجود در صنعت پتروشیمی ایران، عدم توسعه صنایع پایین دستی و میان دستی در این صنعت است. ریشه این مشکل به عوامل متعددی از جمله قیمت گذاری نامناسب خوراک بخش بالادستی پتروشیمی برمی گردد به طوری که نرخ پایین این خوراک موجب رانت بالا و در نتیجه هدایت سرمایه گذاران تنها به صنایع بالادستی پتروشیمی بدون تکمیل زنجیره ارزش می باشد، به تبع آن، این سیاست باعث کاهش رغبت سرمایه گذاران نسبت به صنایع میان دستی و پایین دستی صنعت پتروشیمی شده است (که بیشترین ارزش افزوده را دارند) و در نتیجه زنجیره ارزش در این صنعت کامل نمی شود. یکی دیگر از مشکلات اساسی صنعت پتروشیمی ایران، بحث

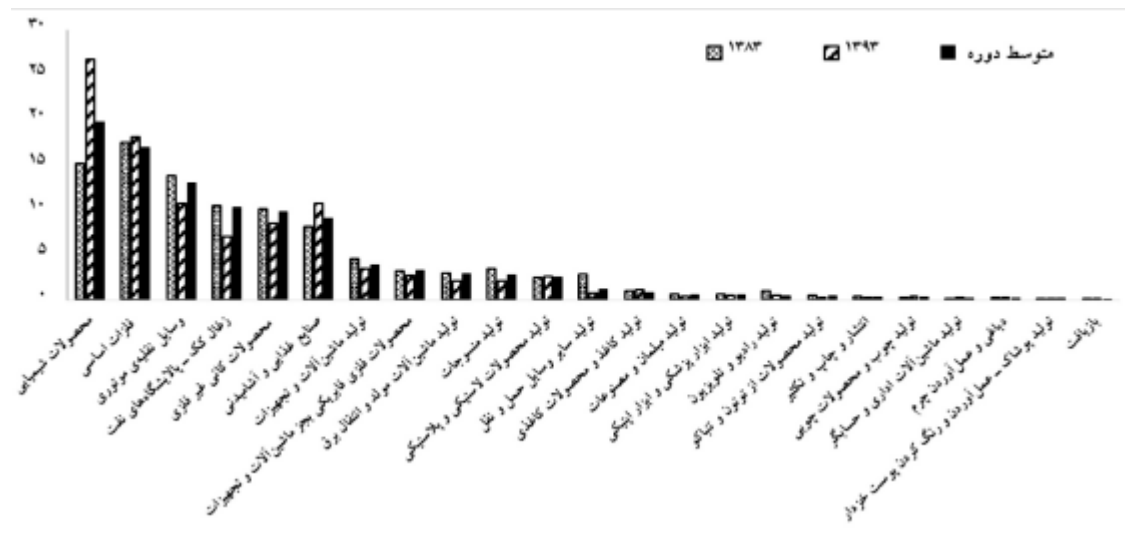
مدیریت خوراک مجتمع های تولیدی است. براساس آمار سال ۱۳۹۵، مقدار ۵۰/۶ میلیون تن محصولات پتروشیمی در ایران تولید شده است که نسبت به میزان برنامه ریزی شده برای این سال یعنی ۵۲/۷ میلیون تن، شاهد کاهش تولید ۲/۱ میلیون تن بوده ایم. براساس این اطلاعات، ۴۶/۹ درصد از کاهش تولید در این دوره، مربوط به کمبود خوراک در واحدهای تولیدی (کمی و کیفی) است. همچنین ۹/۱ درصد آن به دلیل بالا بودن موجودی و عدم مصرف در صنایع پایین دستی بوده است. همانطور که ملاحظه می شود، برنامه ریزی نامناسب، ضعف در مدیریت خوراک واحدهای پتروشیمی و عملکرد جزیره ای مجتمع های تولیدی موجب از دست رفتن مقدار زیادی ارزش افزوده در این صنعت شده، درحالیکه با یک برنامه ریزی و مدیریت صحیح و عقلانی به راحتی میتوان از بروز چنین زیان هایی جلوگیری کرد؛ در ادامه به بررسی هر یک از این مشکلات در راستای مباحث حکمرانی اسلامی در مسیر اقتصاد اسلامی و تعاریف دقیق از انفال و مصارف بر اساس مصلحت های جامعه اسلامی انجام پرداخته می شود.

فصل اول. صنعت پتروشیمی کشور

۱.۱. وضعیت کنونی صنعت پتروشیمی کشور

برای بررسی جایگاه صنعت پتروشیمی در بخش صنعت و معدن، شاخص های ارزش افزوده، حجم سرمایه گذاری (براساس مجوزهای بهره برداری) و حجم صادرات براساس داده های موجود در مرکز آمار ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران و وزارت صنعت، معدن و تجارت استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. لازم به توضیح است با توجه به آنکه بر حسب طبقه بندی آیسیک صنعت پتروشیمی زیر مجموعه ای از صنعت تولید مواد و محصولات شیمیایی می باشد، در بررسی شاخص ارزش افزوده صنعت تولید مواد و محصولات شیمیایی با سایر صنایع مهم و منبع محور مقایسه شده است.

سهم قابل توجه صنایع شیمیایی در خلق ارزش افزوده بخش صنعت و معدن بررسی سهم صنایع مختلف از ارزش افزوده بخش صنعت در دو مقطع ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳ نشانگر آن است که سهم صنعت تولید مواد و محصولات شیمیایی در خلق ارزش افزوده بخش صنعت در سال ۱۳۹۳ بیش از سایر صنایع بوده است (۲۶/۷۱ درصد)



نمودار ۱ - مقایسه سهم ارزش افزوده در رشته فعالیتهای صنعتی طی سالهای ۹۳-۱۳۸۳ (درصد)

مأخذ: سالنامه آماری کارگاه های صنعتی ۱۰ نفرکارکن و بیشتر و محاسبات تحقیق

با توجه به سهم بالای صنعت تولید مواد و محصولات شیمیایی در خلق ارزش افزوده میتوان گفت در فرآیند رشد صنعتی کشور، این صنعت موتور محرکه رشد صنعتی است.

همانطور که اشاره شد افزایش تولید و صادرات محصولات پتروشیمی با توجه به مزیت های نسبی کشور از جمله در دسترس بودن منابع نفت و گاز از اهداف صنعتی کشور بوده که همواره در قوانین متعدد به طرق مختلف به آن پرداخته شده است. لکن یکی از مواردی که مورد غفلت قرار گرفته توسعه صنایع میانی و پایین دستی به موازات توسعه صنایع بالادستی بوده است. احداث و توسعه واحدهای بالادستی نظیر الفین ها، پلی الفین ها، اوره، آمونیاک و متانول که با وجود تناژ بالا، ارزش افزوده کمتری در طول زنجیره ارزش دارند، تنها با توسعه صنایع میانی و پایین دستی این مواد به رشد و شکوفایی صنعتی می انجامد. با وجود تأکیدات بسیار از سوی کارشناسان و متخصصان این حوزه در خصوص توسعه صنایع میانی و پایین دستی پتروشیمی که بیان از تحقق اهداف قوانین و اسناد بالادست نظیر سند چشم انداز کشور دارد، متأسفانه همچنان شاهد بی توجهی و بی برنامهگی وزارت نفت در خصوص توسعه صنایع میانی و پایین دست پتروشیمی و اعطای مجوزهای بی حد و حصر در بخش صنایع بالادستی و عدم تطابق آن با صنایع پاییندستی هستیم. حال یک سؤال قابل طرح است که آیا ادامه رویه گذشته و توسعه نامتوازن صنایع بالادستی پتروشیمی میت واند راهگشا و عامل موفقیت در دستیابی به اهداف مورد نظر باشد؟ برای پاسخ به این سؤال به برخی از ویژگیهای صنایع بالادست پرداخته شده است.

ارزش افزوده پایین بررسی روند صادرات محصولات پتروشیمی حاکی از آن است که بیش از ۶۵ درصد محصولات صادراتی پتروشیمی کشور را محصولات پایه شیمیایی و سوخت تشکیل می دهد در حالی که بسیاری از محصولات این دو گروه میتوانند به عنوان ماده اولیه صنایع میانی و پایین دستی صنعت پتروشیمی کشور مورد استفاده قرار گیرد. همانطور که آمارها نشان می دهد در سال ۱۳۹۳ بیش از ۱۰ میلیون تن محصول عمده پتروشیمی صادر و حدود ۱/۴ میلیون تن محصول وارد شده است. میانگین ارزش هر تن عمده محصولات صادراتی حدود ۹۴۴ و ارزش هر تن محصول وارداتی ۲۸۲۳ دلار می باشد. این ارقام حاکی از آن است که ارزش افزوده محصولات صادراتی کشور نسبت به محصولات وارداتی کمتر بوده است. نکته مهم دیگر تراز منفی ارزشی گروه های مواد

شیمیایی میانی، نشان از عدم توسعه این صنایع در کشور و تراز منفی مصنوعات پلیمری مؤید این موضوع است که به دلیل عدم توسعه صنایع میانی در کشور، مواد اولیه مورد نیاز صنایع پایین دستی و نهایی به لحاظ کمی و کیفی در حد مطلوب تولید نمی شود. لذا این موضوع را از منظر دیگری نیز میتوان مورد واکاوی قرار داد و آن مقایسه ارزش واقعی خوراک مصرفی در صنعت پتروشیمی کشور و ارزش فروش محصولات تولیدی این صنعت بوده که آن هم تاکید بر توسعه صنایع میان دستی و پایین دستی را نشان می دهد، چرا که محصولات حاصل از محصولات پایه پتروشیمی می توانند تا حدود ۱۵ هزار دلار در هر تن هم ارزش پیدا بکنند.

لازم به ذکر است تعریفی از صنایع پایین دستی پتروشیمی آورده شود، صنایع پایین دستی پتروشیمی صنایعی هستند که مواد اولیه خود را به طور مستقیم از صنایع بالادستی و میان دستی پتروشیمی تأمین می کنند. بر اساس این تعریف، صنایع شیمیایی، پلاستیک، لاستیک، کاپوزیت، چسب، رنگ، سموم و کودهای کشاورزی، شوینده ها و داروسازی، زیرمجموعه صنایع پایین دستی پتروشیمی محسوب میشوند.

۱.۱.۱. وابستگی بالای سرمایه گذاری صنعتی به سرمایه گذاری صنایع شیمیایی

سرمایه گذاری صنعتی در بخش صنعت طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۴ دارای فراز و فرود بسیاری بوده است. بیشترین و کمترین حجم سرمایه گذاری به ترتیب در سالهای ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱ به وقوع پیوسته است. پس از افت شدید سرمایه گذاری در سال ۱۳۹۱ به علت عدم ثبات اقتصادی کشور، از سال ۱۳۹۲ به بعد حجم سرمایه گذاری صنعتی به تدریج روندی صعودی را در پیش گرفت.

از آنجا که سهم تجمعی سرمایه گذاری در صنعت تولید مواد و محصولات شیمیایی از کل سرمایه گذاری بخش صنعت در طول سالهای ۱۴۰۰ تا ۱۳۹۴ معادل ۴۳/۸ درصد بوده است بنابراین میتوان نتیجه گرفت که این صنعت نقش بسزایی در خیز سرمایه گذاری صنعتی در این دوره داشته است. صنعت پتروشیمی به عنوان یکی از بخشهای اصلی صنعت کشور، طلایه دار ایجاد ارزش افزوده در منابع نفت و گاز می باشد. این صنعت با کسب مقام نخست صادرات غیرنفتی در جهت شکوفایی اقتصادی کشور، توسعه پایدار، بومی سازی فناوری،

توسعه صنایع پایین دستی و ایجاد اشتغال، نقشی اساسی را برعهده دارد. مزیت های اصلی این صنعت در ایران تنوع خوراک، دسترسی به آبهای آزاد و نیروی انسانی متخصص می باشد.

در طول برنامه های کلان توسعه، اجرای طرحهای متعدد موجب رشد چشمگیر تولید محصولات پتروشیمی شد به طوریکه ظرفیت تولید محصولات پتروشیمیایی از ۳ میلیون تن در سال ۱۳۵۷ به میزان ۸۳.۵ میلیون تن در پایان سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است. هم اکنون نیز ۵۰ طرح در چارچوب جهش دوم و سوم صنعت پتروشیمی در مراحل مختلف اجرایی قرار دارند که پیش بینی می شود با تکمیل و راه اندازی آنها، ظرفیت این صنعت بالغ بر ۱۳۰ میلیون تن در پایان سال ۱۴۰۴ برسد.

انرژی های فسیلی کماکان سهم اصلی منابع انرژی دنیا را به خود اختصاص می دهند، در این بین تنها ۹ درصد از این منابع هم به عنوان سوخت و هم به عنوان خوراک مجتمع های پتروشیمی مورد استفاده قرار می گیرد. متان، اتان، پروپان، بوتان، نفتا، نفت سفید و نفت کوره از جمله اصلی ترین خوراک های مورد استفاده در زنجیره تامین صنعت پتروشیمی محسوب می شوند. هر یک از این خوراک ها در زنجیره اول تولید مجتمع های پتروشیمیایی به محصولات پایه صنعت پتروشیمی از جمله متانول، آمونیاک، الفین ها و آروماتیک ها تبدیل می شوند.

ارزش فروش کل محصولات پتروشیمیایی و شیمیایی جهان با احتساب صنایع تکمیلی و پایین دستی در سال ۲۰۲۰ حدود ۳۶۷۰ میلیارد دلار برآورد شده است. کشور چین به تنهایی با ۱۴۸۸ میلیارد دلار ارزش فروش و سهم ۴۴ درصدی در جایگاه اول دنیا قرار گرفته است. اروپا نیز سهم ۵۴۳ میلیارد دلاری با داشتن کمترین ذخایر نفت و گاز، آمریکا نیز سهم ۵۷۰ میلیارد دلاری از فروش محصولات پتروشیمی داشته است و در نهایت ایران با احتساب مجموع صنایع پتروشیمی و صنایع پایین دستی، تنها حدود ۱۷ میلیارد دلار محصول، تولید و روانه

بازارهای داخلی، منطقه ای و جهانی کرده است. اما در این میان با بررسی ساختار تولید و فروش محصولات پتروشیمی مشاهده می شود که سهم قابل توجهی از فروش محصولات پتروشیمی و سهم ۱۷ میلیارد دلاری از فروش محصولات پتروشیمی، متانول با ۴۱ درصد، ۲۶ درصد اتیلن و ۲۰ درصد آمونیاک از کل تولیدات می باشد؛ همین ترکیب تولید در جهان با سهم های ۲۷ درصدی آمونیاک، سهم ۲۲ درصدی اتیلن و سهم ۱۸ درصدی پروپیلن در سبد تولیدی محصولات پتروشیمی می باشد.

به صورت کلی محصولاتی مانند متانول و آمونیاک که بیشترین تولیدات کشور را بر عهده دارند در سبد تولیدی پتروشیمی کشورهای دیگری مانند چین، عربستان و آمریکا در حداقل و یا کمتر از مقدار تولیدی در ایران می باشد و در عوض به تولید محصولاتی مانند پروپیلن و اتیلن اهمیت بیشتری داده شده است.

توسعه افقی و عمودی زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی نیازمند تولید و به کارگیری محصولات پایه است. متانول، آمونیاک، الفین ها (اتیلن، پروپیلن، بوتادی ان) و آروماتیک ها (بنزن، تولوئن، پارازایلین) به عنوان اصلی ترین محصولات پایه محسوب می شوند. ایران در سال ۹۹ با ۳۰ میلیون تن ظرفیت تولید محصولات پایه از نظر کمی در جهان قرار دارد این درحالی است که ظرفیت تولیدی محصولات پایه در سال ۲۰۲۰ در چین، آمریکا و عربستان سعودی به ترتیب ۲۶۰، ۱۰۴ و ۴۴ میلیون تن بوده است. طبیعتاً مقادیر تولید محصولات پایه در کشور به عنوان یک مسئله مطرح بوده که چرا با داشتن منابع نفتی در کنار منابع گازی فراوان در کشور، میزان تولیدات در کشور کم بوده و جزو وضعیت های متوسط اقتصادی در جهان قرار گرفته است و در وهله بعدی صنعت پتروشیمی کشور با این مسئله رو به رو است که با وجود تولید قابل توجهی از محصولات پایه در کشور، چه مقدار از آنها را به سمت انتهای زنجیره ارزش سوق داده و چه برنامه هایی برای رسیدن به این راهبرد وجود دارد و کشور را از مرحله خام فروشی به مرحله جدیدی از عقب ماندگی صنعتی و اقتصادی یعنی نیمه خام فروشی انتقال ندهد.

آمارها نشان می دهد که تنها حدود ۹ میلیون تن از ۳۰ میلیون تن تولید محصولات در کشور برای مصرف داخلی مورد استفاده قرار می گیرد و این مسئله نشان از نکته مذکور در بالا می دهد که راه

زیادی برای رسیدن به حالت مطلوب در صنعت پتروشیمی کشور یعنی تبدیل شدن به قطب فروش محصولات نهایی وجود دارد تا ما را از مرحله صنعتی نیمه خام فروشی برهاند.

صنعت پتروشیمی از صنایع پایین دستی نفت و گاز بوده که منجر به ایجاد ارزش افزوده در این منابع می‌گردد. اما باید بررسی کرد که آیا صنعت پتروشیمی کشور در سطح تولید فعلی، نقش مطلوب و تاثیر گذاری در تکمیل زنجیره ارزش ایفا کرده است؟ به منظور پاسخ به سوال مذکور باید بیان کرد که پویایی صنعت پتروشیمی کشور بررسی شده و تحلیل هایی به دست آمده که تحقیق حاکی از آن است که در سال‌های اخیر با وجود کاهش صادرات محصولات پایه شیمیایی به دلیل شرایط خاص کشور و انتظار تبدیل این محصولات در صنایع میانی و در نتیجه افزایش تولید و صادرات در این بخش، صادرات محصولات میانی نسبت به روند گذشته خود، تغییر چندانی نداشته است. این مسئله گویای این نکته است که متأسفانه در سال‌های اخیر صنایع میانی به عنوان حلقه واسط صنایع بالادست و نهایی، توسعه کافی پیدا نکرده و سبب ناقص شدن زنجیره ارزش در صنعت پتروشیمی شده است. به عنوان مثال در سال ۱۳۹۲، به طور متوسط ارزش هر تن محصول پتروشیمی صادراتی کشور حدود ۸۶۴ دلار بوده در حالی که ارزش هر تن محصول وارداتی ۲۲۴۸ دلار بوده است. شکاف میان ارقام مذکور، نشان دهنده غالب بودن سهم محصولات صادراتی با ارزش افزوده پایین و موید کامل نبودن زنجیره ارزش این محصولات و به تعبیری خام فروشی در این صنعت است. لکن باید با عملیاتی کردن تمامی ابعاد این سیاست‌ها، از جمله توانمند سازی بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت مردمی، منابع به طور عادلانه توزیع شود. توزیع متوازن ثروت‌ها و منابع طبیعی می‌تواند گامی در جهت ارتقای درآمد اقشار کم درآمد جامعه باشد.

چنانچه بیان شد، افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، یکی از راه‌های مقاوم کردن بخش‌های اقتصادی کشور، تکمیل زنجیره ارزش در این بخش هاست. با ایجاد ظرفیت در صنایع میانی و پایین دست این صنعت می‌توان علاوه بر ارزش افزوده بیشتر، از منابع اشتغال زائی، صرفه جویی ارزی و حمایت از تولید داخل بهره مند شد. برای نمونه، هزینه ایجاد یک شغل به ازای تولید یک میلیون تن محصول در صنایع بالادستی پتروشیمی ۱۸۸۰ هزار دلار، در صنایع میانی پتروشیمی ۱۵۴۵ هزار دلار و در صنایع نهایی ۳۴ هزار دلار برآورد شده است. این

بدان معنا است که با حرکت به سمت زنجیره‌های نهایی صنعت پتروشیمی، با سرمایه کمتر، اشتغال بیشتری ایجاد می‌شود.

۲.۱.۱. تدوین برنامه راهبردی توسعه صنعت پتروشیمی

صنعت پتروشیمی به دلیل ماهیت استراتژیک خود در اقتصاد ایران، همواره مورد توجه دولت مردان قرار داشته و سرمایه‌گذاری‌های بسیاری در این حوزه عمدتاً با اولویت صادرات و ارزآوری صورت پذیرفته است. در باب جایگاه ویژه و اهمیت این صنعت برای اقتصاد ایران، همین بس که حتی بعد از تحریم‌های گسترده کشورهای غربی علیه اقتصاد ایران، ارز حاصل از صادرات این صنعت، در زمره مهمترین منابع تأمین ارز داخلی کشور و برقراری تعادل در بازار ارز قرار داشته است؛ چراکه واحدهای تولیدکننده اینگونه اقلام، به دلیل مزیت نسبی قابل توجه، عوامل تولیدی فراوان، تکنولوژی وارداتی در دسترس و نیز جذابیت سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی، از سوددهی نسبتاً بالایی برخوردار بوده و از این حیث، نه تنها زمینه اشتغال پایدار، صادرات گسترده به اقصی نقاط جهان، ایجاد رونق اقتصادی و ارزآوری باثباتی را برای کشور به ارمغان آورده است، بلکه این موضوع به جذب قابل توجه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در این صنعت منجر شده، که بالا بودن ارزش سهام واحدهای پتروشیمی در بورس اوراق بهادار تهران نیز می‌تواند شاهد دیگری بر این ادعا باشد. بنابراین، استراتژیک بودن نقش این صنعت در اقتصاد ایران از یک سو و نیز اثرپذیری از عوامل مختلف داخلی و بین‌المللی از سوی دیگر، سبب شده است تا در راستای توجیه اقتصادی هرگونه سرمایه‌گذاری در این بخش، بررسی عمیق وضعیت فعلی و آتی این صنعت و ریسک سرمایه‌گذاری در آن، با دقت زیادی مورد ارزیابی و تحلیل گردد و بالتبع عدم توجه به آنها نه تنها سرمایه‌گذاری افراد سرمایه‌گذار را با مخاطرات غیرقابل جبرانی مواجه می‌سازد، بلکه انتظارات سرمایه‌گذاران در این حوزه (چه در بخش تولید که در گرو منابع طبیعی و تکنولوژیکی بوده و چه زمینه سودآوری سرمایه‌گذاری‌ها که وابستگی شدیدی به پارامترهای مختلف داخلی و بین‌المللی حاکم بر بازار دارد) را نیز دستخوش تغییرات ناخوشایند خواهد نمود.

موضوعی که بر بسیاری از مسائل صنعت پتروشیمی در ایران سایه افکننده، فقدان برنامه راهبردی برای این صنعت است. تا زمانی که برنامه راهبردی این صنعت و صنایع پایین دست آن تدوین و تصویب نشده، نمیتوان انتظار بهبود قابل توجه در این صنعت داشت. با خصوصی سازی های انجام شده و عدم ایجاد نهاد تنظیم کننده (رگولاتور) موضوع ماده ۵۹ قانون سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مدیران عامل هلدینگ ها و شرکت های بزرگ پتروشیمی در عمل بنا به خواسته اعضای هیات مدیره خود به دنبال سود بیشتر و تقسیم آن میان سهامداران هستند. در این شرایط که این هلدینگ ها و شرکت ها به لحاظ راضی کردن سهامداران تحت فشار هستند، به توسعه زنجیره محصولات خود توجهی ندارند. در عمل نیز شرکت ملی صنایع پتروشیمی، حاکمیت قبلی را بر این صنایع را از دست داده است. این در حالی است که بر اساس ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، این وزارتخانه ملزم به تهیه و تنظیم برنامه های راهبردی در عملیات بالادستی و پایین دستی صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش مطابق خط مشی ها و سیاستهای ابلاغی و نظارت بر حسن اجرای آنها و همچنین تعیین خط مشی مؤثر به منظور جایگزینی صادرات فرآورده های نفتی و گاز و محصولات نهایی پتروشیمی بجای صدور نفت خام و گاز طبیعی مبتنی بر شاخص های اقتصادی، مزیت های رقابتی و تکمیل زنجیره ارزش است. این مساله ضرورت همکاری وزارت نفت با وزارت صنعت، معدن و تجارت و سایر نهادهای ذیربط در جهت رفع انحصار مواد اولیه مورد استفاده صنایع پایین دست را میطلبد. بنابراین پیشنهاد میگردد با توجه به متولی گری وزارت صنعت، معدن و تجارت بر صنایع پایین دست، می توان کمیته ای مشترک از وزارت صنعت و وزارت نفت در جهت اجرایی کردن این ماده قانونی و زمینه های همکاری و فعالیت مشترک دو وزارتخانه ظرف مدت زمان مشخصی تشکیل داد.

۳.۱.۱. اولویتهای سرمایه گذاری برای افزایش توازن زنجیره محصولات پتروشیمی کشور

سیاست صنعتی مشخص و اولویت های تعیین شده در آن میتواند مبنای تعیین صنایع تکمیلی پتروشیمی اولویت دار، محصولات میان دست و بالادست باشد. با این

وجود بررسی اسناد بالادستی حکایت از نبود سیاست صنعتی مصوب و دقیق میباشد. بنابراین در این مطالعه از طریق نیازسنجی به انتخاب محصولات اولویت دار برای سرمایه گذاری پرداخته شده است. محصولاتی که از یک طرف با عدم تولید یا کمبود مواجه هستند و از طرف دیگر تولید آنها برای پیشران توسعه صنایع متعددی است. تولید این محصولات علاوه بر تامین نیاز داخل، میتواند ارزآوری حاصل از صادرات را نیز به همراه داشته باشد.

در خصوص محصولات اولویت دار و منتخب این مطالعه، توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. موارد پیشنهادی، عمدتاً از محصولات میان دست پتروشیمی هستند که افزایش تولید آنها به توسعه دسته بزرگی از صنایع پایین دست کمک شایانی خواهد کرد.

۲. محصولات منتخب، تولید و مصرف جهانی بالایی دارند.

۳. برای تولیدات، زنجیره محصول در نظر گرفته شده است. به طوری که اگر تولید نهایی نیازمند تولید اقلامی است که در آن واحد مصرف می گردد، تولید این محصولات هم در نظر گرفته شده است.

۴. حتی المقدور تلاش شده برای تولید محصول نهایی، تولید مواد اولیه به میزان کافی وجود داشته باشد. به همین جهت در بررسی اقلام پیشنهادی، تولیدات بالادستی آن محصولات میان دست نیز در نظر گرفته شده اند.

۵. در برخی از مواد اولیه اساسی مانند پروپیلن، ظرفیت تولید کشور بسیار کمتر از نیاز می باشد، که بایستی پرداختن به آنها در اولویت تولید توسط پتروشیمی ها قرار گیرد. به این ترتیب، بخش مهمی از متانول تولیدی هم به مصرف خواهد رسید و قادر خواهیم بود محصولات پایین دست این زنجیره را هم برای توسعه منظور نماییم.

۶. در لیست ارائه شده، صنایع وابسته به ساختمان سازی، نساجی، پلاستیک های مهندسی پرمصرف، صنعت تایر و تیوب و لاستیک ها و الاستومرها به دلیل دامنه کاربردی مورد تاکید قرار گرفته اند. علاوه بر این، تمرکز بر انتخاب

محصولاتی بوده که در زنجیره محصولات پتروشیمی با کمبود یا فقدان تولید مواجه می باشد.

۲.۱. وضعیت مالکیت صنعت پتروشیمی کشور

بعد از اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر لزوم خصوصی سازی بنگاه های اقتصادی صنعت پتروشیمی، هلدینگ های تخصصی با هدف مالکیت و مدیریت بر مجتمع های پتروشیمی در کشور شکل گرفت، در این بین شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس به عنوان بزرگترین هلدینگ تخصصی به تنهایی ۳۶.۲ درصد سهم مدیریتی و ۲۵.۴ درصد سهم مالکیتی ظرفیت اسمی صنعت پتروشیمی را در سال ۹۹ به خود اختصاص داده است. شرکت نفت و گاز پارسین نیز از هر دو حیث مدیریتی و مالکیتی به ترتیب با ۱۶.۴ و ۹.۵ درصد در جایگاه دوم قرار دارد. این مسئله نشان می دهد که در فرایند خصوصی سازی صنعت پتروشیمی کشور به گونه خاصی سهام شرکت های پتروشیمی واگذار شده و تنها به مالکیت و سودرسانی به گروه های خاصی از مردم تعلق گرفته است. این مسئله در ادامه بیان خواهد شد که چگونه و چرا نعمت های بزرگ الهی مانند نفت و گاز را تنها در اختیار و سودرسانی تنها بخشی از مردم سپرده نشود.

اثر خصوصی سازی بر صادرات محصولات پتروشیمی (پلی اتیلن) شرکت های مذکور به دو کشور مورد هدف، یعنی چین و هند، (با هم و به تفکیک) طی دوره های متمادی منفی بوده است، به عبارت دیگر خصوصی سازی شرکت های پتروشیمی با روشی که در ایران انجام شده، منجر به کاهش میزان صادرات آنها شده است. در حقیقت نشان از آن می باشد که خصوصی سازی، در صنعت پتروشیمی (با روشی که در ایران انجام شده) و با رویکرد صادراتی طی سالهای اخیر موفق نبوده است. پیش شرط موفقیت خصوصی سازی، اولاً فراهم ساختن الزامات توسعه فعالیت های بخش خصوصی، و ثانیاً ایجاد چارچوب تنظیمات دولت بعد از خصوصی سازی و سوما ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه بیشتر در مسیر اهداف دولت یعنی اشتغالزایی می باشد، واگذاری صنایع به بخش خصوصی مولد زمینه گسترده تری را برای نقش تخصیصی بازار، و چارچوب های تنظیمی

دولت در حمایت از زیربخش های بازار در مقابل رویه های ضد رقابتی بنگاه ها است. طی سالهای اخیر با توجه به اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴، اغلب شرکتهای زیر مجموعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی به بخش خصوصی و شرکتهای شبه دولتی (خصولتی) واگذار، و ساختار صنعت از بازار انحصار دولتی نسبتاً کامل به بازار انحصار چندجانبه تبدیل شد. با این حال به دلیل ضعف چارچوب های هماهنگ کننده و تنظیمی دولت، در عمل یک رقابت ناسالم بین برخی از شرکت ها در بازارهای بین المللی و جنگ قیمتی برای فروش محصولات بوجود آمد که منجر به کاهش صادرات این صنعت شد. یعنی در واقع به جای اینکه این مسئله باعث رقابت در بین شرکت ها و ورود هر چه بیشتر آنها به تولید محصولات نهایی با ارزش افزوده بیشتر و مناسب تر برای صادرات (حجم کم ارزش بالا) شود، باعث شده تا شرکت ها به صورت ناکارآمد به رقابت علیه یکدیگر و با کنش های منفی در بازارهای بین المللی عمل کنند.

۱.۲.۱. شکست های بازار در صنعت پتروشیمی ایران

بررسی ها حاکی از وقوع انواع شکست های بازاری اساسی در صنعت پتروشیمی ایران میباشد که مهمترین موارد آن به شرح ذیل میباشد:

۱. تمرکز عمده تولیدات صنعت پتروشیمی بر چند محصول بالادست (که اشتغالزایی و ارزش افزوده پایین دارد)

۲. فقدان تنوع در تولیدات بالادست.

۳. عمده محصولات بر پایه گاز از جمله اوره، آمونیاک و متانول با هدف صادراتی تولید می شوند و در زنجیره ارزش محصولات مورد نیاز صنایع پایین دستی کشور، قرار نمی گیرند.

۴. تنوع پایین محصولات تولیدی: این مساله در حالی است که تنوع محصولات امکان استفاده از بازارهای متفاوت را فراهم می کند و این تاب آوری درآمدهای ناشی از صادرات پتروشیمی را در شرایط تحریم و فراز و نشیب های بازاری را افزایش می دهد.

۳.۱. تحولات نرخ ارز و ارتباط آن با ریسک سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی

به طور کلی، نرخ ارز عنصری تعیین کننده در اتخاذ سیاستهای اقتصادی کشور، تعدیل نرخ ارزهای خارجی با تورم، تفسیر نرخ ارز با مکانیسم های مالی و بانک مرکزی، قداست بخشیدن به مفهوم پول ملی بوده و ارتباط غیرقابل انکاری بامتغیرهای اساسی اقتصاد کلان نظیر سرمایه گذاری، تولید، صادرات، کسری بودجه دولت، رشد اقتصادی و غیره داشته و لذا با توجه به ماهیت و کارکرد نرخ ارز و سیاست های ارزی، نقش معناداری در جهت کنترل ریسک بازاری در صنایع مختلف خواهد داشت. بر این مبنای، در تحلیل تاثیرات نوسانات نرخ ارز بر سرمایه گذاری در حوزه های مختلف نظیر صنعت پتروشیمی باید اظهار داشت که تصمیم گیران کلان اقتصادی کشور می بایست بر پایه مدیریت بازار ارز بتوانند شرایط لازم جهت سرمایه گذاری در زیربخش های اقتصادی کشور به منظور تسهیل فعالیت بخش های تولیدی نظیر بخش پتروشیمی را فراهم آورند. بدین صورت که سیاست گذاران کلان این صنعت می بایست در هنگام افزایش نرخ ارز و افزایش بازدهی تولید و صادرات محصولات پتروشیمی، سعی در توسعه فعالیت ها و سرمایه گذاری در زیرساخت ها به منظور افزایش بهره وری عوامل تولید، گسترش محدوده بازارهای صادراتی، ایجاد بستر برای حفظ تعادل عرضه و تقاضا در شرایط مختلف، ایجاد اثرات جانبی ناشی از بازدهی نسبت به مقیاس، ایجاد شرایط رقابتی بر پایه مزیت نسبی و غیره نمایند تا بتواند در مواقعی نیز که نرخ ارز روند نزولی به خود گرفت، با قدرت به کنترل شرایط عرضه و تقاضا در بازار بپردازد. از سوی دیگر، نرخ ارز به عنوان پیش بینی آتی قیمت های نسبی انواع دارایی ها، تغییرات غیرقابل پیش بینی در عرضه و تقاضای پول ملی و خارجی را به خوبی منعکس می نماید. لذا، نوسانات نرخ ارز، انتظارات عوامل و تصمیم گیران اقتصادی را در مورد تغییرات در اندازه و حجم عرضه پول، نرخ های سود، درآمد واقعی شرکتها، بازدهی واقعی ناشی از سرمایه گذاری های آتی در صنایع مختلف را نیز منعکس خواهد کرد، که به خوبی نمایانگر اهمیت ویژه این نرخ در بخش های مختلف اقتصاد می باشد. به لحاظ تجربی نیز این مهم با عنایت به شرایط ملتهب بازار ارز در ایران پس از خروج آمریکا از برجام و یا سایر وقایع برون زا و غیرقابل

اجتناب اقتصادی که اثرات معناداری بر متغیرهای مختلف اقتصادی کشور نظیر نرخ ارز داشتند (البته فارغ از شدت اثرگذاری این عوامل برون زا، عوامل درونزا هم در اقتصاد ایران نیز نقش خصوصی داشته اند)، نیز قابل استدلال است که تحولات بازار ارز، به شدت و به سرعت به سایر بازارها انتقال یافته و با تغییر ریسک سرمایه گذاری در بخشهای مختلف، اولویت های سرمایه گذاری آحاد جامعه را دستخوش تغییر نموده و این تغییرات در مقاصد سرمایه گذاریها، شرایط اقتصادی کور را نیز دستخوش تغییراتی غیرقابل انکار و ملموسی می نماید. بنابراین، میتوان به وضوح دریافت که با کنترل ریسک بخش ارزی کشور، میتوان علاوه بر کنترل ریسک سرمایه گذاری ها در صنایع وابسته به تجارت نظیر بخش پتروشیمی، افزایش مستمر و باثبات میزان تولیدات این محصولات را نیز موجب گردد. (استفاده پتروشیمی ها به بهانه صادرات از پتروشیمی ها و عدم فروش داخلی) از مشکلات دیگر صنعت پتروشیمی کشور می باشد که میتوان به انحصار در این صنعت و کنترل قیمت ازسوی تولیدکنندگان و همچنین مزیت صادرات نسبت به عرضه داخلی به دلیل افزایش نرخ ارز اشاره کرد که به تغییر روند تولید به سمت محصولات غیرمنطبق با نیاز بازار داخلی منجر شده است. این عوامل، موجب عدم ثبات کمی و قیمتی در صنایع پایین دستی و داخلی منجر شده که درنهایت، عدم امکان برنامه ریزی برای تولید آتی را در پی دارد. از طرفی فقدان برنامه ریزی مناسب برای آینده، موجب شده تا صنعت پتروشیمی در یک دور کاهنده، گرفتار شود؛ یعنی کاهش ظرفیت تولید، افزایش قیمت تمام شده و از دست دادن بازار داخلی و خارجی.

بنابراین تغییرات نرخ ارز در داخل کشور و افزایش قیمت آن هم می تواند تاثیر مثبتی برای اقتصادهای تولیدمحور داشته باشد و هم تاثیرات منفی و خسارت های جبران ناپذیری را به همراه داشته باشد، به گونه ای که کشور چین در زمان توسعه بازارهای صادراتی خود به دنبال پایین نگهداشتن قیمت ارز خود بوده تا بتواند روند صادراتی خود را به سمت دیگر کشورها هموار کرده و با قیمت مناسب برای تولید و فروش در بازارهای خارجی، فضای مناسبی را برای خود ایجاد کرده و بخش قابل توجهی از بازارهای مختلف دیگر کشورها را از آن خود کند. اما این مسئله نیازمند فراهم کردن زیرساخت های مناسب اقتصادی بوده تا تغییرات نرخ ارز را در جهت افزایش تولید و صادرات هدایت کند اما در کشورهایی مانند ایران که زیرساخت های مناسب ایجاد نشده، تنها باعث اتخاذ تصمیمات اشتباه در بین سرمایه گذاران شده به طوری که تنها به تولید محصولات نیمه خام و یا

فروش مواد خام بسنده کرده و از این طریق هم درآمد مناسبی را از آن خود می کنند یعنی در واقع آن ها را به راحت طلبی اقتصادی می کشاند.

۴.۱. روند بازدهی سهام در صنعت پتروشیمی

در چند دهه اخیر سرمایه گذاری های وسیعی به منظور گسترش تولیدات و استفاده از مزیت های مبتنی بر منابع خام در صنعت پتروشیمی ایران انجام شده است. این سرمایه گذاری ها به منظور متنوع کردن افزایش تولیدات این بخش، گسترش صادرات، تامین نیازهای داخلی و استفاده از توانمندی های بالقوه در کشور صورت گرفته است. بکارگیری این سیاست ها با توجه به سهم ۱۰/۹ درصدی ایران از ذخایر نفت جهان و سهم ۱۸/۲ درصدی نفت خاورمیانه حائز اهمیت است. در بررسی ارتباط متغیرهای کلان با بازدهی سهام شرکت های پتروشیمی، با افزایش نرخ رشد تورم در حوزه پتروشیمی و صنایع شیمیایی، بازدهی سهام این شرکت ها افزایش می یابد. افزایش سطح عمومی قیمت ها موجب شکل گیری و تقویت انتظارات تورمی برای محصولات و تولیدات بنگاه های پتروشیمی است. شکل گیری انتظارات تورمی از طریق ناامنی از درآمدهای ارزی و بروز تحریم با شکل گیری تورم و پایداری آن موجب افزایش قیمت سهام این شرکتها در بازارهای مالی می شود. افزایش قیمت نهاده ها، اثر متقابل بین افزایش قیمت محصولات تولیدی و اثرپذیری قیمتها به دلیل جو روانی ایجاد شده، افزایش بهای سهام را در اکثر بازارهای مالی ایجاد می کنند.

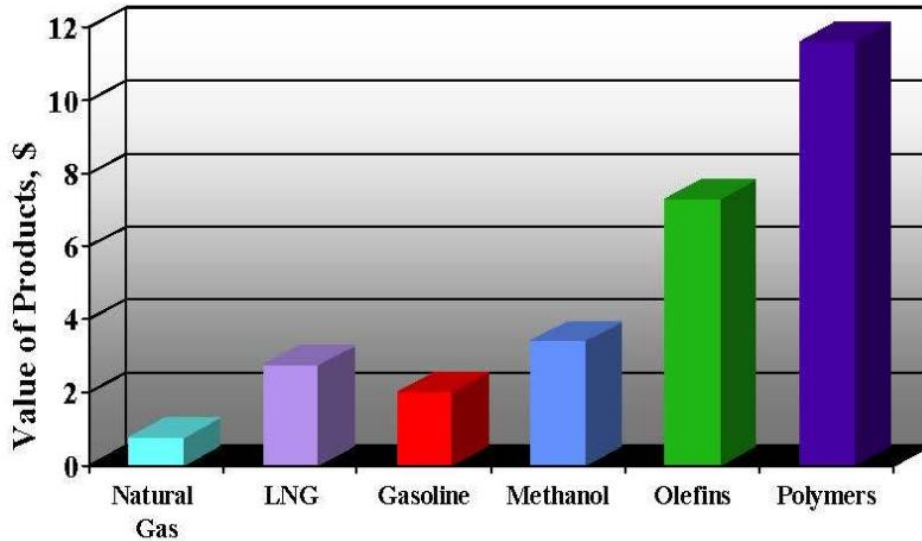
روند افزایشی قیمت سهام شرکت ها باعث می شود تا انتظارات نادرستی از شرکت های تولیدکننده محصولات پتروشیمی ایجاد شود به طوری که افزایش قیمت سهام شرکت های متانول ساز به منظور تولید و صادرات متانول با توجه به افزایش نرخ ارز و تحولات اقتصادی اخیر را از جمله شاخص های مثبت در مسیر صنعت پتروشیمی ارزیابی کرده و براساس آن نتایجی بر خلاف واقع برداشت کرد، این درحالی است که این مسئله دو نکته را به ما یادآوری می کند اول آنکه باعث می شود که این افزایش قیمت سهام را ناشی از عملکرد خوب و تولید محصولات پایه دانسته در حالی که تولید و صادرات محصولات پایه خسارت های گاهها جبران ناپذیر به بدنه اقتصاد کشور وارد می کند و دوم آنکه مانع از ایجاد تصور درست از عدم النفع شرکت های زنجیره ارزش این محصولات خواهد شد.

۵.۱. وضعیت بازارهای محصولات پتروشیمی

برخی از تولیدکنندگان نفتی خاورمیانه طرح های زیادی برای گسترش مجتمع های پتروشیمی و صنایع پایین دست دارند تا تقاضاهای رو به افزایش بازار آسیا را پاسخ دهند. عربستان سعودی آماده راه اندازی تعدادی از پالایشگاه های تازه در الجبیل، ینبع، و مجتمع جازان با ظرفیت ۴۰۰ هزار بشکه در روز است. امارات متحده عربی طرح ایجاد بزرگترین پالایشگاه جهان و مجتمع پتروشیمی به ارزش ۴۵ میلیارد دلار را تا سال ۲۰۲۵ دارد. این درحالی است که کویت، عراق هم در قابلیت های تازه پالایشگاهی سرمایه گذاری می کنند.

با توجه به افزایش مصرف نفت خام خاورمیانه در مجتمع های تازه پتروشیمی که دارای ظرفیت بالا هستند، میزان عرضه نفت صادراتی ممکن است محدود شود، تولید محصولات شیمیایی در منطقه رشد خواهد داشت و بین سالهای ۲۰۱۸ تا ۲۰۴۰ دوبرابر خواهد شد. خاورمیانه سهام خود را در بازار محصولات شیمیایی جهان از ۱۳ درصد به ۱۷ درصد افزایش داده که به دلیل امکانات کارآمد و قیمت های پایین مواد اولیه در منطقه می باشد. چشم انداز تقاضای جهانی برای محصولات پتروشیمی نه تنها به قدرت خود باقی می ماند بلکه رشد چشمگیری نیز خواهد داشت با رشد تقاضا برای محصولات پلاستیکی در اقتصادهای نوظهور که به دنبال جبران کردن کمبود پلاستیک های یک بار مصرف تولید شده در کشورهای توسعه یافته هستند، این روند افزایش خواهد یافت.

نمودار ۳. میزان ارزش دلاری در زنجیره ارزش نفت و گاز



منبع: IHS markit، ۲۰۱۸

همان طور که در نمودار بالا نشان داده شده است، ارزش قیمتی موجود در محصولات پلیمری به مراتب بیشتر بوده و حتی با برخی محصولات دیگر قابل مقایسه نیست که نشان دهنده این است که روند بازارهای جهانی به سمت تولید محصولات پلیمری می باشد، پس این قضیه اهمیت موضوع پژوهش را بیش از پیش تعیین کرده و انتخاب حوزه های سودآور و اشتغالزا در حوزه محصولات پلیمری را با حساسیت بالاتری نشان می دهد. طبق نظر بعضی کازشناسان، تعداد فراوانی از پروژه های گوناگون پتروشیمی در خاورمیانه، چین، هند، تایلند و سنگاپور شروع و در حال اجرایی شدن هستند. هم چنین در کشورهای آسیای میانه نیز همچون قزاقستان و ازبکستان که سعی در تقویت و توسعه و گسترش صنعت پتروشیمی در سطح جهانی دارند. ظرفیت اتیلن در دو کشور مذکور از ۲۴۰۰۰۰ تن در سال ۲۰۰۹ به ۴۹/۱ میلیون تن در سال ۲۰۱۴ رسیده است. و از انجایی که منابع وسیع گازی، محدود بودن بازار برای سوخت و مزایای محیطی فرآیندهای پایه گازی منجر به گسترش ظرفیت محصولات پتروشیمی شده است به طوری که ظرفیت تولیدی پلیمر در مناطق آسیای مرکزی در همان بازه زمانی از ۴۶۵۰۰۰ تن به ۱.۴۸ میلیون تن رسیده است. در کشورهای خاورمیانه نیز به دنبال گسترش محصولات پلیمری خود بوده به طوری که تنها در یک مورد کشور امارات به میزان ۲.۶ میلیارد دلار به منظور گسترش ظرفیت تولیدی و ترغیب سرمایه گذاری در این کشور صرف کرده است، و این مسئله باعث ایجاد سهم ۱۹ درصدی امارات از تولیدات جهانی شده است و از همه مهمتر رشد صنعت پلاستیک به تبع رشد در صنعت پتروشیمی موجب افزایش

استخدام و اشتغال در این کشور شده به گونه ای که ۴ درصد از کل مشاغل در منطقه خلیج فارس را از آن خود کرده است. (جعفری، ۱۳۸۹)

برای مثال می توان به گاز مایع یا همان ال پی جی یکی از فرآورده های نفتی_گازی اشاره کرد که شامل دو محصول پروپان و بوتان است. در حدود یک دهه گذشته حجم زیادی از مصرف ال پی جی در دنیا در حوزه مصرف خانگی به صورت کپسول و حمل و نقل بود. با پیدایش روشهای انتقال گاز طبیعی و همین طور با توجه به ارزش حرارتی زیاد ال پی جی، مصرف این محصول به عنوان سوخت خانگی و حمل و نقل در حال کاهش است و بسیاری از کشورهای دنیا به ویژه کشورهای صاحب تکنولوژی صنایع پتروشیمی همچون ایالات متحده و کشورهای شرق آسیا از ال پی جی به عنوان خوراک صنایع پتروشیمی استفاده می کنند. بنابراین باید تأکید کرد که ال پی جی یا همان گاز مایع که یکی از محصولات پالایشگاهی گازی و نفتی محسوب می شود، تبدیل آن نسبت به صادراتش، سود بیشتری عاید کشور می کند. در حال حاضر دنیا به این سمت رفته که با توجه به ارزش حرارتی ال پی جی، از آن به عنوان خوراک صنایع پتروشیمی استفاده کند. در واقع به جای آنکه تبدیل به ماده سوختی شود، در زنجیره ارزش قرار بگیرد و از آن محصول تولید شود. برای نمونه کشور عربستان ۸۰ درصد ال پی جی تولیدی خود را جهت تبدیل به محصولات با ارزش افزوده بالاتر در صنعت پتروشیمی به مصرف می رساند. ایران از نظر میزان تولید ال پی جی _ با توجه به داشتن منابع نفت و گاز فراوان _ رتبه دهم دنیا را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۳۹۷ میزان تولید ال پی جی کشور تقریباً ۸/۳ میلیون تن بوده است که حدود ۲ میلیون تن آن در داخل مصرف شد. بیشتر مصرف ال پی جی کشور در حوزه سوخت و به صورت کپسولی و در مناطق جنوبی است که هنوز گازکشی نشده اند. بخشی از آن هم به عنوان سوخت خودرو و به شکل سنتی مورد استفاده قرار می گیرد. اما سهم اصلی ال پی جی در ایران در حوزه صادرات است. صادرات این ماده در سال گذشته به میزان حدود ۵ میلیون تن بوده است. در سال ۱۳۹۶ این رقم ۶ میلیون تن بود که این کاهش یک میلیون تنی به دلیل تاثیر تحریم ها بوده است. در این میان سهم ال

پی جی به عنوان خوراک صنایع پتروشیمی در کشور بسیار پایین است (حداکثر ۵ درصد ال پی جی تولیدی کشور). در حالی که اگر بخواهیم اثر تحریم ها را بر کاهش درآمدهای ارزی مثل درآمدهای ارزی ال پی جی کاهش دهیم، ناچار هستیم مصرف ال پی جی را در داخل کشور آن هم در بحث زنجیره ارزش افزوده افزایش دهیم.

فصل دوم: انفال و گستره آن

۱.۲. انفال و انواع آن

در نگرش دانشمندان شیعه، انفال دارای مفهومی وسیع است که غنائم فی صفی و هرآنچه که مالک خاص ندارد را در بر می گیرد. بنابراین در فقه شیعه، انفال مفهومی فراتر از غنائم دارد و این از

ویژگی های برجسته فقه شیعه است؛ زیرا از یک سو با نظام اقتصاد اسلامی و از سوی دیگر بانظام حکومتی و سیاسی اسلام پیوند پیدا می کند.

در روایات امامان معصوم: به جز غنیمت های جنگ، مصادیقی برای انفال بیان شده که می توان آنها را در نه دسته تقسیم بندی کرد:

الف) زمین هایی که صاحبان شان از آنجا جلاء وطن نموده و بدون لشگرکشی در اختیار مسلمانان قرار گرفته اند و یا صاحبانشان با میل و رغبت به مسلمانان تسلیم و یا مصالحه نموده اند که به اینها (فی) گفته می شود و در شمار انفال به حساب می آیند؛ (فی) در روایات گزارش شده از امام صادق، در زمره انفال شمرده شده و یا با انفال هم معنا قلمداد شده است.

ب) زمین های غیر آباد، مخروب و موات که جز با تعمیر و اصلاح و آبرسانی و مانند آن قابل بهره برداری نیستند؛ از آغاز بی مالک باشند و یا قبلاً در اختیار کسی بوده، ولی الان صاحبش نامعلوم است و تبدیل به موات شده است.

ج) ساحل دریا ها، رودخانه ها و هر زمینی که بی صاحب است؛ اگر چه موات نباشد نظیر جزیرها.

د) فراز کوه ها و دامنه آنها، جنگل ها ، بیابان ها و نیزارها.

ه) اموال گران قیمت مخصوص پادشاهان؛ اعم از زمین و غیر زمین.

و) (صفی)؛ یعنی چیزهای با ارزش از غنائم که پیش از تقسیم بین مسلمانان، پیامبر می تواند برای خود انتخاب نماید؛ مانند مرکب خوب، لباس های فاخر، شمشیر برنده، زره، کنیز و ...

ز) اموال بدون وارث.

ح) معدن ها.

ثروت و اموال عمومی جامعه که از آن در فقه به انفال یاد می شود. نقش حیاتی در اقتصاد نظام ها و حکومت های اسلامی ایفا می کند، به طوری که سوره ای از قرآن کریم به این نام نامیده شده و در قوانین جمهوری اسلامی یک اصل مستقل از قانون اساسی (اصل ۴۵) به این موضوع اختصاص یافته است. انفال یکی از مهم ترین منابع مالی حکومت اسلامی است که اگر چگونگی کارکرد،

مدیریت، بهره برداری و مصرف آن به خوبی روشن شود، قطعاً پیشرفت اقتصادی را در پی خواهد داشت. بهره مندی از منابع ثروت و برخورداری از اقتصادی کارآمد و قوی، در جهت استحکام، تثبیت و تقویت پایه های هر حکومت، نه تنها امری ضروری، بلکه از اهم امور بشمار می آید.

حکومت اسلامی نیازمند این منابع ثروت است تا از یک سو توان دفاع و ایستادگی خود را در مقابل هجمه و توطئه دشمنان تقویت نموده و از سوی دیگر، پایه های نظام را با تامین زیرساخت ها، ایجاد رفاه نسبی، گسترش قسط و عدل و توزیع عادلانه ثروت براساس شایستگی ها استحکام بخشد. خدا در جهت تامین اهداف یاد شده، انفال را به حکومت اسلامی اختصاص داده است، ولی نکته مهم و اساسی آن است که این منابع باید بگونه ای مدیریت و توزیع گردند که از ثروت اندوزی عده ای جلوگیری شود و افراد براساس شایستگی ها و نیاز واقعی از این منابع بهره مند گردند. در فرهنگ قرآنی، عامه مردم باید از این منابع ثروت بهره مند شوند. از این رو در اختیار پیامبر به عنوان حاکم اسلامی قرار داده شده تا با اشراف به جمیع شوؤن و نیاز های جامعه اسلامی، آنها را بنا بر مصالح نظام مصرف کند.

نبود نگاه جامع به انفال، موجب شده تا اهداف مهم اقتصادی و اجتماعی آن دور از دسترس قرار گرفته و نابسامانی حوزه اقتصاد، بقیه بخش های جامعه؛ اعم از فرهنگی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار دهد؛ همچنین اگر واگذاری آن به بخش خصوصی موجب چرخش این ثروت ها در دست عده ای خاص و محرومیت بیشتر افراد جامعه و مردم گردد، کم کم به نقض عدالت اجتماعی و گسترش سرمایه داری ظالمانه و فاسد در جامعه می گردد. توصیه مسلمانان به رعایت تقوا و هشدار به آنان در مورد کیفر شدید الهی، پس از بیان مالکیت انفال و موارد مصرف آن، می تواند به این مطلب اشاره داشته باشد که مسلمانان باید در مورد انفال نهایت دقت و مراقبت را داشته باشند و آنچه حکومت به آنان واگذاری کرده را، بپذیرند و از آنچه آنان را نهی کرده، بپرهیزند.

در عصر غیبت امام معصوم از آن جهت که ملاک معین شده تصرف در انفال، امام المسلمین بودن و حکومت و ولایت اجرایی و اداری برای فقیه عادل جامع الشرائط وجود دارد، تشخیص مصالح مصرف منابع عمومی ثروت در جامعه بر عهده ایشان است. این دیدگاه توسعه ای از صرف امور حسبیه به تمامی شوون ولایی اجرایی در دوران معاصر از سوی حضرت امام خمینی (ره) در بحث ولایت مطلقه

فقیه مورد توجه قرار گرفته است. ایشان انفال را متعلق به منصب امامت و ولایت که همان جایگاه اجرایی امور مسلمین است، دانسته و بیان می‌دارند که انفال؛ یعنی اموال عمومی که در اختیار پیامبر و جانشینان معصوم او قرار دارد و در زمان غیبت، اختیار آن با ولی امر مسلمین است (تحت تصرف حکومت اسلامی) و از آن باید در مصالح عمومی جامعه و به سود همگان بهره برداری شود. یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در خصوص انفال، کشف سیاست‌های شرعی مرتبط با مصرف آن و نوع مالکیت آن است. ساختار مالکیت در جهت دادن به کیفیت و شیوه تولید و مصرف بهینه از انفال، بسیار مهم است. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز اصول و ضوابطی جهت استفاده درست و تخصیص بهینه از این منابع وجود دارد؛ ولی آیا این سیاست‌ها در خصوص نحوه تخصیص و مصرف، منطبق با نیازهای متغیر و جدید اقتصادی جامعه اسلامی می‌باشد. بررسی این مسئله ضرورت توجه و تحقیق به این سیاست‌ها را در نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی دو چندان می‌کند.

محققان، نفت و گاز طبیعی و هم‌چنین گاز همراه نفت را جزء انفال دانسته و مالکیت آن را به عموم مسلمین تخصیص داده و بهره‌مندی از آن را طبق مصالح جامعه بنابر تشخیص حاکم جامعه می‌دانند. اما مسئله اینجاست که ضوابط مصرف و تخصیص آن بر اساس همان مبانی متناسب با مصارف مختلف دیگری مانند صنعت پتروشیمی چگونه خواهد بود؟

در خصوص معیارها و ضوابط مرتبط با مصرف انفال دیدگاه‌های متفاوتی در میان صاحب‌نظران وجود دارد. دلیل اصلی اختلاف را میتوان تفاوت در نوع نگاه به مالکیت و حدود و ساختار آن بیان کرد. فقها در تعیین ساختار مالکیت با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، به دو گروه تقسیم شده‌اند. برخی مانند قاضی ابن براج در المذاهب و علامه حلی در تذکره الفقهاء، در ترسیم آن قائل به وجود سه مالکیت شده‌اند؛ یعنی در کنار مالکیت عمومی، مالکیت امام (دولتی) را به عنوان مالکیت سوم قرار می‌دهند و برخی نیز مانند آقای منتظری در دراسات و آیت الله مومن قمی در الولایه الالهیه قائل به وحدت این دو مالکیت بوده و هر دو را یکی می‌دانند. البته باید اشاره کرد که در بعضی از تحقیقات، عدالت درون نسلی و برخی بین نسلی را ملاک توزیع انفال مطرح نموده‌اند. در ادامه به توضیح هر سه نوع از انواع مالکیت پرداخته تا به صورت دقیق‌تر منظور از مالکیت‌ها در سطوح حکمرانی مشخص گردد:

۱. مالکیت خصوصی

مقصود رابطه‌ای است اختصاصی بین فرد انسان با مال که منع دیگران را از انتفاع موجب می‌شود، یا به شکلی است که مداخله دیگران را جز در صورت ضرورت و موارد استثنایی، در آن مال محدود می‌کند. مانند مالکیت انسان نسبت به آبی که از رودخانه یا هیزمی که از جنگل به دست می‌آورد. از نظر شهید صدر، سبب اصلی مالکیت خصوصی، کار است، زیرا اظهار می‌دارد، آنگاه که اسلام، بر اساس تمایل طبیعی انسان مقرر داشت که کار سبب مالکیت است و از این جهت، کار را وسیله اصلی توزیع ثروت به حساب آورد، به دو نتیجه رسید: یکی تجویز پیدایش مالکیت خصوصی در زمینه اقتصادی و دیگری محدودیت مالکیت خصوصی در جهت دستیابی به آن.

۲. مالکیت عمومی

اموالی هستند که هیچ فرد خاصی، مالک آن‌ها نیست تا بتواند به نحو دلخواه در آن تصرف کند؛ بلکه ملک همه مسلمانان است؛ خواه آنانکه در قید حیاتند و خواه آنانکه هنوز به دنیا نیامده‌اند. در مالکیت عمومی، اجازه تصرف و بهره برداری عموم مردم (اعم از مسلمان و غیر مسلمان که تابعیت دولت اسلامی را دارند) در ثروت‌های عمومی با نظارت مستقیم دولت وجود دارد؛ به همین سبب تحت نظارت ولی امر مسلمانان قرار می‌گیرد تا به گونه‌ای مناسب به افراد واگذار، و درآمد حاصل از آن‌ها به صورت ملک عموم مسلمانان، در راه‌هایی صرف شود که نفع آن، عاید عموم مسلمانان شود. یکی از فلسفه‌های وجودی که برای این نوع مالکیت مطرح شده، احترام به مصالح آیندگان است؛ زیرا اگر ملکی جزو اموال عمومی باشد، دغدغه اینکه مسلمانان آینده نیز در آن سهیم هستند، مالک را به استفاده از ملک به اندازه رفع نیاز و مواظبت و نگهداری از آن برای آیندگان ملزم می‌کند، به نظر می‌رسد اسلام از جمله اولین مکاتب اقتصادی است که مالکیت عمومی را تاسیس کرده و آن را در نظام خود مورد استفاده قرار داده است.

۳. مالکیت دولتی

مقصود از «مالکیت دولتی»، «مالکیت حکومت اسلامی» یا «مالکیت امام» است. این نوع مالکیت، مالکیت منصب امامت و رهبری امت اسلامی است، نه مالکیت شخص امام؛ زیرا این نوع

مالکیت از امامی به امام دیگر منتقل می‌شود، نه به وارثان او، از دیدگاه اسلام، در راس دولت، شخصیت امام معصوم یا ولی فقیه قرار می‌گیرد. از نگاه شهید صدر وجه تمایز مالکیت دولتی با عمومی از جنبه های متعدد می‌باشد: مالک در ملکیت عمومی «امت» است و در دولتی منصب امامت مالک است. تفاوت دیگر در نحوه استفاده از اموال است؛ اموال و ثروتهای عمومی باید صرف مصالح عمومی شود و بنابراین استفاده آنها برای مصالح، جزء معینی از جامعه به عنوان مثال فقراء مجاز نخواهد بود ولی در اموال دولتی ولی امر می‌تواند علاوه بر مصالح عموم این اموال را در مصالح بخش‌هایی از جامعه نیز مصرف نماید.

۲.۲. مالکیت انفال و نظریه وحدت مالکیت عمومی و مالکیت امام

در خصوص انفال، طبق تصریح آیات قرآن کریم ملکیت اصلی انفال از آن خدا و رسول او می‌باشد، در این راستا می‌توان به آیه ۱ سوره انفال اشاره کرد که خداوند متعال می‌فرماید:

«يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ قُلِ الْإِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ»

شکی نیست که مالکیت انفال به خاطر شوون حکومتی، بعد از پیامبر (ص) به امام می‌رسد و بدون اذن او، کسی حق تصرف ندارد؛ نص فوق به همراه روایات موجود در تفسیر آن مبنای نظریات فقهی قرار گرفته است.

انفال ملک شخص امام نیست، بلکه در ملک امام بما آنه امام است. یعنی ملک شخصی امام نیست تا بعد از وفات امام جزءاموالی باشد که به ورثه امام به ارث برسد؛ بلکه انفال در اختیار «مقام امامت» است که آن را در مصالح مسلمین و جامعه بنا بر صلاح دید خود صرف کند و می‌تواند بنا بر تشخیص خود تنها برای عده ای خاص مانند فقرا صرف کند بنابراین اموالی که برای مسلمین است، با توجه به شرایط مذکور در متون فقهی، کسی که ولی تصرف است همان امام خواهد بود.

۳.۲. لزوم گسترش سیطره انفال

از بررسی آیات و روایات دیگر منابع فقه غنی شیعی اصول و معیارهایی به دست می‌آید که بر اختیارات حاکم اسلامی در توزیع منابع طبیعی حاکم است. این معیارها را می‌توان در قالب پنج اصل زیر بیان نمود:

۱- اصل لزوم رعایت مصالح عموم مسلمانان؛

۲- اصل برابری در بهره مندی از منافع منابع طبیعی؛

۳- اصل بهره برداری عادلانه؛

۴- اصل کارایی؛

۵- اصل لزوم حفظ محیط زیست.

در مجموع باید بیان کرد که تامین مصالح و منافع عموم مردم یکی از اهداف تشریح احکام مالی در اسلام است؛ به گونه ای که حتی اگر در وضعیت خاصی، گرفتن اصل مالیات یا گرفتن نرخ معینی از آن، به فرآیند رشد اقتصادی جامعه آسیب رساند و مردم را دچار مشقت کند، متوقف می شود. در توزیع منابع طبیعی نیز رعایت این اصل همواره باید مدنظر بوده و توزیع این منابع به نحوی باشد که مصالح عموم مسلمانان تامین شود؛ چرا که وجود ثروتی انبوه با عنوان منابع طبیعی، برای افرادی که امکان دستیابی مستقیم و آسان به آن را دارند، وسوسه انگیز بوده و زمینه انحراف را فراهم می آورد. بنابراین لازم است حاکم اسلامی، در عین پایبندی دقیق و همه سویه به معیارها و آیین های اسلامی، در تمامی قانون گذاری ها درباره نحوه استفاده از منابع، مصلحت اسلام و مسلمانان را مورد دقت نظر قرار داده و کلیه سیاست ها تامین کننده مصلحت نظام و عامه مردم باشد.

تصمیم گیری در مورد میزان و نحوه توزیع منابع طبیعی در انواع خود و درآمدهای حاصل از آن، اصولاً بر عهده حاکم اسلامی بوده و او می تواند با توجه به وظایف و اهداف نظام اقتصاد اسلامی، در میزان و نحوه توزیع آنها، سیاست گذاری های کلان و خرد انجام دهد.

در موضوع مورد نظر ما، تکمیل زنجیره ارزش و هدایت آن به سمت محصولات نهایی با ارزش افزوده بالاتر از اهداف و صلاح دیدهای حاکم اسلامی برای جامعه اسلامی است با حرکت به سمت انتهای زنجیره ارزش هم میزان سرمایه گذاری مورد نیاز کاهش یافته و هم ارزش افزوده بیشتری با ارزش صادراتی بالا و هم اشتغالزایی بیشتری را ایجاد می کند و در عین حال به تکنولوژی های دست یافتنی تری نیازمند می باشد، بنابراین امام جامعه و یا دولت باید از سیاست گذاری هایی استفاده کند که با توجه به ساختار صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، انفال را در مصلحت جامعه یعنی در

منفعت اکثر جامعه استفاده کرده و از خام فروشی و نیمه خام فروشی و هدر رفت انفال با نازلترین قیمت ها جلوگیری کند؛ در ادامه سیاست های مورد نیاز برای این مسئله به صورت کامل تشریح خواهد شد؛ بنابراین همان طور که اسلام علاوه بر رفع نیازهای ثابت به رفع نیازهای متغیر در جامعه اسلامی نیز می پردازد، در بحث انفال نیز علاوه بر تعیین اصول حاکم بر منابع طبیعی و نحوه مالکیت و مصرف آنها به نیازهای متغیر آن یعنی نحوه اختصاص دهی انفال به صنایع جدید رشد یافته در و نیاز های آنها دقت کرده و متناسب با مسائل شناسایی شده در آنها برای مصرف بهینه تر انفال در زنجیره آنها سیاست گذاری کند؛ باید توجه داشت که مسئله جایگاه تصمیم گیری و سیاست گذاری منابع طبیعی از مسائل مهم و مورد توجه در منابعی مانند نفت و گاز بوده که دارای دو ویژگی مهم یعنی تجدید ناپذیری و بزرگ نقش بودن در اقتصاد است؛ وجود این دو ویژگی باعث شده، مسئله تصمیم گیری و سیاست گذاری درباره این منابع متفاوت با سایر منابع باشد.

۴.۲. موارد مصارف انفال

۱.۴.۲. اصل توزیع و مصرف انفال در عصر غیبت

همان منصب امامت و رهبری جامعه اسلامی که از آن امامان معصوم (علیه السلام) در زمان حضور بود، در زمان غیبت امام زمان (عجل الله تعالی و فرجه الشریف) به عهده رهبری واجد شرایط است و در این فرض، او والی، زعیم و پیشوای جامعه اسلامی است و همه دلایل و شواهدی که نشان می دهد که در زمان حضور ، انفال به منصب امامت و ولایت تعلق دارد ، این نکته را نیز اثبات می کند که انفال در زمان غیبت در اختیار رهبر جامعه اسلامی است. یکی از سوالاتی که در این حوزه مطرح می شود، این است که آیا شارع برای توزیع و مصرف انفال ضابطه ای مطرح کرده است ؟ نحوه توزیع انفالی که در زمان غیبت در اختیار رهبر جامعه اسلامی است، چگونه می باشد؟

از اصول مهم در مصرف و توزیع، رعایت عدالت اقتصادی است؛ زیرا بنیاد هستی و انسان بر عدل بنا نهاده شده و جامعه بشری جز با قیام به قسط و گسترش عدالت قوام نمی یابد، خداوند متعال در این زمینه در آیه ۲۵ سوره حدید می فرماید « لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط »، همانا پیامبران را همراه با کتابی راهنما و وزنه ای مشخص برای برقراری

عدل و قسط در بین مردم فرستادیم؛ امام علی (علیه السلام) نیز می‌فرماید: صلاح مردم در اقتداء کردن به سنت و طریقه خدا، و پا برجا بودن دولت‌ها در عدل است.

۱.۱.۴.۲. توازن اجتماعی

در خصوص عدالت درون نسلی بحث توازن اجتماعی در اسلام مطرح می‌گردد، معیار عدالت در توزیع درآمد و ثروت نیز همین توازن می‌باشد. شهید صدر توازن اجتماعی را هم‌سنگی و تعادل افراد جامعه در سطح زندگی و نه در سطح درآمد می‌داند. معنای هم‌سنگی در سطح زندگی این است که افراد جامعه به اندازه‌ای مال و سرمایه در اختیار داشته باشند که بتوانند از امکانات معمول زندگی به طور یکسان برخوردار شوند. البته، تفاوت درجه زندگی ممکن است؛ ولی تضاد کلی، آنچنان که در جوامع سرمایه‌داری مشاهده می‌شود، وجود نخواهد داشت. از آنجا که قرار است گاز طبیعی بین مصارف مختلف قیمت گذاری شده و توزیع گردد؛ در صورتی عدالت درون نسلی رعایت خواهد شد که موجبات به هم خوردن توازن اجتماعی ایجاد نگردد. جایی که گاز به عنوان مصارف خانگی توزیع می‌گردد و مصرف عمومی دارد با جایی که به بخش خصوصی مانند صنعت پتروشیمی داده می‌شود، متفاوت می‌گردد. قیمت گذاری نباید منجر به توزیع نامتوازن ثروت گردد. بنابراین در صورت عدم تعیین صحیح قیمت گاز در جایی که مصرف به یک بخش خاص از جامعه تخصیص می‌یابد و به توازنی که وصف آن آمد لطمه وارد می‌کند. به عبارت دیگر ارزان‌فروشی گاز به یک بخش خاصی از مردم بدون هیچ‌گونه قیدی موجبات انباشت ثروت را در بین آنها ایجاد کرده و این با مفهوم توازن مغایر می‌باشد، از طرفی در اختیار گذاشتن منابع طبیعی در مصارفی که کمترین ارزش را برای جامعه اسلامی داشته و مقدمات بسیاری از اسراف‌گری‌ها را به وجود می‌آورد، نیز با اصل مصرف انفعال مغایرت خواهد داشت.

۲.۱.۴.۲. عدم تبعیض

موضوع دیگری که در خصوص مصرف انفعال مطرح می‌گردد عدم تبعیض در توزیع فرصت‌ها و امکانات است که نتیجه آن رفع فقر در جامعه می‌باشد. با بررسی سیره امیر مومنان می‌توان این اصل را استخراج نمود. به عنوان نمونه امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای به عامل خود در مکه، قثم بن العباس می‌نویسد: «در مال خدا که نزد تو گرد می‌آید، نظر کن، آن را به عیال‌مندان و گرسنگانی که در نزد تو هستند و به محتاجان و به فقیران برسان. و هر چه افزون آید، نزد ما بفرست، تا ما نیز

آن را به محتاجانی، که نزد ما هستند، برسانیم» (نهج البلاغه ، نامه ۶۷). بنابراین حکومت اسلامی باید به بهترین شکل سیاست گذاری با لحاظ عدالت در دسترسی همگان به موهبت ها و منابع طبیعی، فقر و نیازهای ضروری جامعه را در کسب معاش رفع کند .

توزیع فرصت ها، توزیع امکانات و شرایط رسیدن همگان به یک موقعیت است. این امکانات و شرایط شامل زمینه های بهره مندی از منابع طبیعی نیز می شود . مجموعه انفال، مباحات عامه و منافع مشترکه (مانده جاده ها ، خیابان ها و پارک ها) که در ملکیت دولت اسلامی یا در اختیار اوست، فرصت ها و امکاناتی هستند که در قلمرو عدالت اقتصادی قرار دارند. این مسئله در خصوص تخصیص منابع نفت و گازی برای مصرف آن در صنعت پتروشیمی نیز صدق می کند به طوری که می توان سیره و سخن امیرالمومنین را به وضعیت فعلی اقتصاد و متناسب با شرایط جامعه تعبیر کرده و فراهم سازی امکانات برای محتاجین را در فراهم سازی بسترهای لازم اقتصادی در توسعه و رشد هر چه بیشتر فعالیت های اقتصادی در نظر گرفت به طوری که در زمینه معادن نفت و گازی باید به نحوه صحیح تر و نافذتری برای استفاده از منابع در عمل خصوصی سازی برای اکثریت افراد بخصوص برای قشر متوسط و ضعیف جامعه اختصاص صورت گیرد.

۲.۴.۲. توجه به آبادانی و عدم تعطیل منابع انفال

مطابق آیه ۱۶ سوره مبارکه هود « خداوند انسان ها را از زمین آفرید و آنان را مأمور به آبادانی آن ساخته است » احیاء و آبادانی زمین وظیفه انسان موجود است و بر آن آثار حقوقی مترتب می کند و از اهمال و سستی در آباد کردن زمین که در اختیار کسی قرار گرفته و تعطیل و راکد گذاشتن آن پرهیز می دهد. در این زمینه روایاتی نیز داریم که مشوق احیاء و آبادانی زمین می باشد. از این آیه و روایات مربوطه می توان این گونه برداشت نمود که یکی از موارد منجر به آبادانی، مصرف صحیح منابع طبیعی است که هدیه زمین به خلق خداست. این منابع به خصوص منابعی مانند نفت و گاز نباید معطل مانده و از آن استفاده ای نشود و این استفاده نیز باید صحیح باشد و نحوه تخصیص آن بسیار با اهمیت بوده به نحوی که منابع، در جهت آبادانی و اصلاح شهرها و روستاها گردد. بنابراین گازی که قرار است ارزش افزوده ایجاد کند در تاسیسات سرچاهی تحت عنوان فلر در مشعل می سوزد یا توسط همسایگان مشترک با سرعت بالایی برداشت می شود که هم موجب خسران نسل

فعلی و هم نسل آینده می‌شود. طبق آمار از سال ۱۳۹۱ به بعد در ایران روزانه بالغ بر ۲۵ میلیون متر مکعب گاز در مشعل پالایشگاه‌ها و بدون کوچک‌ترین استفاده‌ای سوزانده می‌شد که معادل یک فاز پارس جنوبی است. سوختن گاز در مشعل‌ها، زیان‌هایی همچون آلوده کردن محیط زیست را به همراه دارد. این در حالی است که به عنوان مثال این گاز می‌تواند ظرفیت بالقوه برخی از شرکت‌های پتروشیمی را بالفعل نماید و در امر آبادانی زمین موثر باشد، بنابراین باید موجبات مصرف صحیح این گاز را فراهم نمود.

۳.۴.۲. مصرف نفت و گاز به مثابه انفال

از آنجایی که گاز از مولکول‌های متان، اتان و پروپان تشکیل شده است در کنار مصارف مختلف گاز، فرآوری آن توسط صنایع پتروشیمی کشور یکی از بااهمیت‌ترین روشها برای کسب ارزش افزوده از این منبع خدادادی است. صنعت پتروشیمی جزء صنایع پائین دستی نفت و گاز محسوب می‌شود که در آن عملیات فراورش روی هیدروکربن‌های موجود در نفت و گاز طبیعی انجام پذیرفته و در نهایت از طریق یکسری فرآیند شیمیایی محصولات تولیدی با ارزش افزوده بیشتر ایجاد می‌گردد؛ توزیع گاز بین مصارف موجود و قیمت‌گذاری آن باید عادلانه بوده و نباید تبعیض آمیز باشد. به عبارت دیگر مطابق این ضابطه شیوه توزیع نباید سبب تبعیض گردد و فرصتی غیر عادلانه را برای یک مصرف‌کننده ایجاد نماید. (مبانی فقهی مصرف انفال، ۱۳۹۵، ۱۴).

گاز طبیعی به عنوان یکی از مصادیق انفال با ویژگی‌های مهمی مانند قابلیت دسترسی ارزان و آلاینده‌گی کم، دارای تنوع مصرفی بیشتری نسبت به سایر مصادیق منابع نفت و گاز در ایران می‌باشد. در حال حاضر این ماده مصارف مختلفی دارد که از مهمترین آنها تخصیص به صنعت پتروشیمی جهت استفاده به عنوان خوراک می‌باشد، بنابراین صنعت پتروشیمی به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی که در تحقق اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی راه‌گشا شناخته شده که از متقاضیان اصلی گاز طبیعی جهت تولید محصولات نهایی می‌باشد. این صنعت در سال‌های گذشته مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی خصوصی شده است.

تخصیص بهینه گاز طبیعی به مصارف مختلف به خصوص صنعت پتروشیمی در جهت حداکثر نمودن بهره‌گیری از آن یکی از مهم‌ترین مسائلی است که باید مورد توجه مسئولان این عرصه قرار گیرد،

معیارها و ضوابط مصرف این موهبت الهی تحت تاثیر نوع دیدگاه نسبت به مالکیت آن می باشد. از دید برخی از صاحب نظران با توجه به تمایز بین مالکیت عمومی و دولتی، ضوابط و ملاک های مصرف نیز در صورت قائل شدن به هر یک از این موارد، متفاوت می گردد. به عنوان مثال در صورتی که مالکیت عمومی پذیرفته شود آنگاه همه در استفاده از آن برابری دارند. در این صورت طبق روایات هر کس بر آن سبقت بگیرد، می تواند به قدر نیاز از آن بهره مند گردد و این مسئله در نحوه تخصیص خوراک بخصوص گازی به صنایع مختلف من جمله پتروشیمی با مسائلی رو به رو می شود که از جمله آنها می توان به عدم مصرف بهینه صنعتی، تولید مواد نیمه خام و انتخاب سرمایه گذاری های نادرست و هزینه زا برای اقتصاد کلان کشور و با توجه به ساختار بخش خصوصی کشور منجر به عدم انتقال به زنجیره ارزش می گردد ولی در صورتی که جزء اموال دولتی محسوب شود این منابع در اختیار حاکم جامعه اسلامی بوده و مطابق با مصلحت مصرف می شود؛ در این صورت یک منطق عقلایی و متناسب با مصلحت های اقتصادی جامعه و در راستای ارزش افزایی هرچه بیشتر حرکت می کند. به عبارت دیگر اگر مالکیت امام (نه مالکیت شخص امام بلکه مالکیت منصب امام) پذیرفته شود نتیجه این می شود که امام می تواند آن را به هر که خواست اقطاع کند و امکان واگذاری آن وجود دارد ولی اگر ملک جمیع مسلمین باشد امام نمی تواند آن را اقطاع نماید. ضوابط و سیاست های مصرف نیز همان طور که اشاره شد با در نظر گرفتن هر یک از این دو نوع مالکیت متفاوت می گردد.

۴.۴.۲. ارزش افزوده بیشتر مبنایی برای واگذاری منابع انفال

چنانچه تصمیم بر این باشد که منابع خاصی از انفال برای بهره برداری واگذار شود توانایی بهره بردار خصوصی یا دولتی در استفاده بهینه و کارا از منابع و همچنین ایجاد ارزش افزوده بیشتر نیز باید مدنظر قرار بگیرد. در خصوص تخصیص این منابع نیز همان طور که در ادامه بیان خواهد شد توجه به ایجاد ارزش افزوده می تواند به عنوان یکی از اصول مطرح گردد. بعضی محققان بیان دیگری از این مبحث داشته اند آنها ملاک واگذاری را این گونه مطرح می کنند که نسل فعلی سرمایه طبیعی را به کار گرفته و به میزان بیشتری از دیگر سرمایه ها دست پیدا کند. تنها با این شرط می توان ثروت های طبیعی را بیشتر از نیاز به نسل فعلی داد. بنابراین توزیع مساوی منابع انفال بین همه مردم برای بهره برداری مبنای قرار نمی گیرد، بلکه مهارت و توانایی از جمله ویژگی های تاثیرگذار

یکی از ملاک ها می باشد. حال سوال اساسی که در اینجا مطرح می گردد این است که سرمایه طبیعی بر اساس چه معیاری به بخش های گوناگون اقتصادی تخصیص می یابد و به دیگر سرمایه ها اعم از سرمایه فیزیکی، مالی، اجتماعی و غیره تبدیل می شود تا عدالت اقتصادی محقق شده و استفاده بهینه ای از انفال صورت گیرد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که معیارهای زیادی می تواند تاثیرگذار باشد اما از جمله مواردی که اهمیت بسزایی دارد این است که معیارهایی باید در نظر گرفته شود که صاحبان و مالکان صنایع بالادستی صنعت پتروشیمی تمایل به توسعه و یا حداقل مشارکت در توسعه صنایع پایین دستی را داشته باشند تا هم زنجیره ارزش این محصولات و منابع نفت و گازی تکمیل گردد و هم با توجه به میزان ارزش افزایی بالاتر و میزان اشتغالزایی بیشتر در این زنجیره، منافع حاصل از این منابع طبیعی مشمول افراد بیشتری شده و منافع حاصل از مصرف گاز و یا مشتقات نفتی تنها به گروه خاصی از مردم که به وسیله خصوصی سازی ها صورت گرفته، نشود و اکثر افراد جامعه را در برگیرد.

بنابراین مصرف انفال هر چند طبق اراده و مشیت امام است ولی نمی تواند بدون ضابطه باشد. که این ضوابط ناشی از یکسری اصولی بوده که قابل استخراج از فقه شیعه می باشد و باید هنگام تصرف در منابع انفال مورد توجه قرار گیرد. صنعت پتروشیمی یکی از صنایع کلیدی و مورد توجه در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و از مصرف کنندگان انفال می باشد. همان طور که بیان شد وضعیت موجود این صنعت نشان می دهد که توسعه زنجیره ارزش، نامتوازن بوده و با مقاصد سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی یعنی تکمیل زنجیره ارزش و صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا، فاصله دارد.

فصل سوم: تطبیق نیازهای اقتصادی جامعه با تفکرات اقتصادی اسلام

۱.۳. لزوم شناسایی و استفاده از نظریات انفال در مدیریت صنعت کشور

خداوند در جهت تامین اهداف یاد شده منابع مختلف مالی را به حکومت اسلامی اختصاص داده است، همان طور که بیان کردیم نکته مهم و اساسی آن است که منابع و اموال عمومی می بایست بگونه ای مدیریت و توزیع گردند که از ثروت اندوزی و طغیان عده ای خاص، بخاطر دستیاری به آنها و در نهایت، قدرت یافتن به واسطه آنها، جلوگیری شود و عدالت و قسط و رفاه اجتماعی و عمومی بسط پیدا کند و افراد براساس شایستگی ها و نیاز واقعی، از این منابع بهره مند گردند.

در یک تقسیم بندی کلی فعالیت های بخش نفت شامل دو بخش کلی، بالادستی و پایین دستی است. فعالیت های بالادستی شامل اکتشاف، مطالعه مخازن، تولید (به معنای وسیع کلمه شامل افزایش بازیافت) و حمل نفت خام یا گاز به پالایشگاه، مراحل مختلف پالایش، حمل فرآورده ها، توزیع، بازاریابی و فروش آن را در بر می گیرد اما فعالیت های پایین دستی از ارسال گاز تصفیه شده و یا مشتقات نفتی به مجتمع های بزرگ پتروشیمی آغاز شده و تولید محصولات پتروشیمیایی بالادستی و میان دستی را شامل شده و در قسمت بعد یا ختم به صادرات به مقاصد صادراتی می شوند و یا در اختیار کارخانه های پایین دستی برای تبدیل به محصولات نهایی خواهد شد. باتوجه به اینکه نفت خام کالای واسطه ای در فرآیند تولید در اقتصاد است، برای کسب بیشترین ارزش افزوده باید آن را به محصولات نفتی و در نهایت به محصولات پتروشیمیایی تبدیل کرد. در این فرآیند تبدیل (پالایش نفت خام) محصولاتی مانند بنزین، گاز نفتی مایع، نفتا، پارافین (نفت سفید)، گازوئیل، نفت حرارتی و نفت کوره (نفت پسماند) به دست می آید که بخشی از آن به عنوان

خوراک در مجتمع های پتروشیمی استفاده می شود در کنار فعالیت پالایشی، پتروشیمی ها نیز نقش مهمی در تولید انواع محصولات دارند. بسیاری از تولیدات نهایی فرایند پالایش، ماده اولیه پتروشیمی هاست. امروزه بیش از ۴۰۰۰ نوع محصول مختلف پتروشیمی وجود دارد. از این میان محصولاتی مانند اتیلن، پروپیلن، بوتان، بنزن، آمونیاک و متانول محصولات پایه و اصلی محسوب می شوند. گروه اصلی محصولات نهایی نیز شامل پلاستیک ها، الیاف های مصنوعی، کائوچو های مصنوعی، شوینده ها و کود های شیمیایی می شود.

توجه به این طیف گسترده محصولات مشتق شده از نفت نشان می دهد که نه تنها در تامین انرژی جهان نقشی مهم دارد، بلکه نفت امروزه به ماده ای با کاربرد های وسیع در زندگی تبدیل شده، به طوری که تصور جهان صنعت و تولید بدون آن بسیار مشکل است.

از آنجایی که برای دولت اسلامی، وظایفی در حوزه های مختلفی چون رشد و توسعه، عدالت، رفع فقر و فراهم نمودن شرایط کار و کسب درآمد و غیره مطرح است که هر یک دارای مبانی نقلی و سیره ائمه (ع) در زمان خلافت و حکومت ایشان است. پس سیاست ها و وظایف دولت اسلامی باید در نوع مصرف و بهره برداری از منابع نفت و گاز که جزو انفال به حساب می آید، تجلی یابد تا با دسترسی به افراد و آماده سازی زیرساخت ها شرایط را برای بهره برداری بهینه توسط غالب مردم فراهم آورد.

مالکیت یا تحت نظارت بودن منابع انفال در دست حکومت اسلامی به معنای این نیست که دولت و یا مجموعه حکومت باید تصدی و بهره برداری مستقیم از منابع را بر عهده بگیرد. زیرا شان دولت در بهره برداری از منابع عمومی، سیاستگذاری، حاکمیت و نظارت است که می تواند با استفاده از واگذاری مشروط و یا عقد قرارداد با بخش های خصوصی و مردم به بهره برداری از منابع انفال بپردازد. سیره پیامبر (ص) و امامان معصوم و خلفای دیگر در مورد انفال و فی این نبوده که دولت متصدی بهره برداری از این منابع شود، بلکه سیره در واگذاری بهره برداری به مردم و نظارت و هدایت درآمدهای حاصل به رفع نیاز های دولت اسلامی بوده است و امروزه هدایت منابع و چگونگی استفاده از آن برای حکومت اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار بوده تا با افزایش مالیات ستانی به صورت مستقیم به درآمدهای دولت کمک کرده و به صورت غیر مستقیم با اشتغالزایی در سطح

جامعه در جهت صلاح امور جامعه عمل نماید. بنابراین در میان اصل مصلحت عمومی در مصرف منابع و ثروت های عمومی به این مسئله اشاره دارد که منافع حاصل از مصرف انفال نباید منحصر به گروه های خاصی شود، بلکه سیاست گذاری در باب بهره برداری و مصرف درآمد های حاصله باید به گونه ای باشد که به طور وسیعی منافع آن متوجه عموم مردم شود. بنابراین مواردی همچون رشد اقتصادی و افزایش اشتغال، امنیت جامعه، حفظ نظام و یا اجرای برنامه های ملی عام المنفعه و مانند آن در اولویت خواهند بود. البته ذکر این نکته ضروری است که وجود ولایت فقیه و مدیریت آن بر انفال این امکان را می دهد که براساس مقتضیات زمان و مکان هر جا که مصلحت بالاتری را تشخیص دهد، به اجرای آن بپردازد؛ در رویکرد اسلامی، حق برخورداری همگان از فرصت ها و بهره مندی آحاد جامعه در حد کفاف دو عنصر اساسی عدالت به معنای (اعطاء کل ذی حق حقه) است. در این چارچوب، اولین گام برای تحقق عدالت، مقابله با نابرابری اولیه در توزیع فرصت ها، منابع و امکانات عمومی (بیت المال) به نفع فقرای واقعی و محرومین جامعه اسلامی است. رفتار و روابط عادلانه، رفتار و روابطی است که براساس حق بهره مندی افراد بوده و حقوق اقتصادی انسان ها در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی را در برگیرد. این امر هنگامی به طور کامل محقق می شود که هر یک از افراد جامعه به حق خود از ثروت و درآمد های جامعه دست یابند.

این مسئله در صنعت پتروشیمی رعایت نشده و لاقلاً در بخش قابل توجهی مورد اغفال قرار گرفته است چراکه نفت و گازی که به مجتمع های پتروشیمی داده می شود تنها به یک محصول بالاتر مانند اوره، آمونیاک، متانول و غیره تبدیل شده و با کمترین میزان ارزش افزوده و ارزش صادراتی صادر می شوند این در حالی است که مواد اولیه آنها جزو انفال بوده و سیاست گذاری های آنها طبق مطالب ذکر شده باید به سمت تکمیل زنجیره ارزش که از جمله مصادیق مصلحت های جامعه بوده، حرکت کند ولی شرایط فعلی این صنعت از خام فروشی به نیمه خام فروشی تغییر رویکرد داده و اکثر منابع در همین مرحله استفاده می شود و با توجه به نوع مالکیت و میزان اشتغالزایی و سود به دست آمده تنها در اختیار عده محدودی قرار می گیرد، این در حالی است که هم از جهت قانونگذاری سیاست های اقتصاد مقاومتی و هم از جهت فقهی در استفاده از انفال و مصالح جامعه صورت می گیرد، در زمان کنونی، اعطا و تقسیم منابع بیت المال (حاصل از درآمد های فروش نفت از معادن متعلق به انفال طبق نظر مشهور) به عموم مردم و از جمله اغنیا آن هم به شکل علی السویه، خلاف

عدالت است و باید متناسب با صلاح دید حاکم جامعه اسلامی بین قشرهای مختلف و متناسب با نیازهای آنها و توسعه جامعه اسلامی به صورت متوازن تقسیم شود.

۲.۳. عدم تخصیص انفال به گروه های خاص

از حوزه های سیاستگذاری موارد هزینه کرد و درآمدهای حاصل از انفال، فراهم کردن زیرساخت های اقتصادی و سرمایه گذاری با رویکرد منافع بین نسلی است. این رویکرد را می توان از احادیث و آرای فقها در باب مصارف انفال و فی استخراج نمود. ملاک و معیاری که در بخش های قبلی به آن پرداخته شد، معیار مصالح مسلمین بود که به اتفاق همه فقها و اندیشمندان به آن اشاره کرده اند و این بدین معناست که انفال نباید به گروه خاصی تعلق بگیرد بلکه انفال و درآمدهای عمومی متعلق به همه مسلمانان در نسل های مختلف و این مهم ایجاب می کند که برنامه ها و طرح های مربوط به ایجاد زیرساخت ها و سرمایه گذاری های اقتصادی با هدف تامین منافع بین نسلی و هم چنین با هدف تامین منافع اکثر افراد جامعه صورت بگیرد.

در مصداق نفت و گازی که مورد بحث قرار گرفته، خوراک مایع و گازی مورد استفاده در صنایع پتروشیمی باعث شده تا منابعی که انفال نامیده می شوند در اختیار گروه خاصی از سرمایه داران قرار گرفته و با توجه به ماهیت صنایع بالادستی پتروشیمی، اشتغالزایی کمی در آن صورت گیرد، بنابراین انفال تنها در اختیار اندک معدودی قرار گرفته خواهد شد ولی از آنجایی که استفاده همگان از منابع انفال را از ملزومات استفاده از آن ندانسته باید مشکل را در جای دیگری هم جستجو کرد، مهم تر از دلیل ذکر شده، این است که عدم هدایت و راهبری تخصصی در مصرف این منابع، باعث خواهد شد که گروه اندک سرمایه داران، آنها را تنها در راستای حداکثرسازی منافع خود استفاده کرده و در مسیر شاخص های کلان اقتصادی و از جمله مصلحت های اصلی جامعه که شامل اشتغالزایی و درآمدزایی بیشتر که در تکمیل زنجیره ارزش خلاصه می شود، حرکت نکند. به همین دلیل هر چه به صنایع میان دستی و پایین دستی پتروشیمی اهمیت بیشتری داده شود و صنایع

بالادستی برای آنها طراحی شده و زیرساخت ها و سرمایه های لازم برای آنها در نظر گرفته شود، هم بخش بیشتری از جامعه را نفع رسانی کرده و هم مصلحت های جامعه را پوشش خواهد داد.

۳.۳. افزایش اشتغال و لزوم بخش انفال در صنایع پایین دست برای عمومیت بیشتر

یکی از شاخص های اصلی سنجش اثربخشی صنایع، اشتغال مستقیم و غیرمستقیم حاصل از توسعه آنها است. صنعت پتروشیمی در کنار ایجاد ۱۰۷ هزار اشتغال مستقیم، در چشم انداز توسعه موجبات شکل گیری صدها بنگاه کوچک و متوسط در پایین دست خود (صنایع تکمیلی) شده است. بررسی آمار حاکی از آن است که حدود ۱۵,۰۰۰ بنگاه فعال در صنایع پایین دست صنعت پتروشیمی در کشور مشغول به فعالیت هستند که یکی از مهمترین عوامل رشد و توسعه این بنگاه ها، تامین پایدار خوراک های موردنیاز آنها است.

در سال ۹۹ صنعت پتروشیمی ۳.۳ میلیون تن پلیمر و ۲.۱ میلیون تن محصول شیمیایی (در مجموع ۵.۴ میلیون تن) در راستای تامین خوراک موردنیاز بنگاه های فعال در صنایع پایین دست صنعت پتروشیمی عرضه کرده است. طبق گزارشات شرکت ملی صنایع پتروشیمی، به ازای هر یک میلیون تن محصول پتروشیمی عرضه شده به صنایع پایین دست صنعت پتروشیمی، پتانسیل ایجاد ۱۷۰ هزار اشتغال وجود دارد. در نتیجه در صورت فعال بودن تمامی رشته صنایع پایین دستی پتروشیمی به ازای ۵.۴ میلیون تن مواد اولیه، خلق ۹۲۰,۰۰۰ فرصت شغلی در این صنایع قابل تصور است که نشان از اهمیت دو چندان صنعت پتروشیمی و صد البته صنایع پایین دست آن دارد.

همان طور که قبلا هم بیان شده، تا افاق ۲۰۲۶ تولید محصولات پایه صنعت پتروشیمی دو برابر خواهد شد. بدین ترتیب در صورت توازن در تولید محصولات پایه و برنامه ریزی برای توسعه صنایع پایین دستی و حمایت از آنها می توان این گونه ادعا کرد که یک فرصت استثنایی برای اشتغال زایی یک میلیون نفری دیگر در پایین دست صنعت پتروشیمی تا پایان دولت سیزدهم وجود دارد. همان طور که بحث شد نفت و گاز را از مصادیق انفال دانسته که به تبع آن، برخی احکام بر محصولات ناشی از آنها یعنی محصولات پایه پتروشیمی نیز حکمفرما می باشد از جمله مهمترین قوانین حاکم

بر آنها را می توان مصرف آنها در جهت مصالح عامه که می تواند شامل عمومیت بیشتر در بهره برداری از منابع و به تبع آن ایجاد رفاه نسبی برای اکثر افراد جامعه باشد، در نظر گرفت؛ بنابراین طبق مطالب بیان شده، سطح اشتغالزایی صنایع پایین دستی به قدری زیاد است که جهت دهی انفال و زنجیره محصولات ناشی از آن به سمت این صنعت را می توان از الزامات و موارد مصرف انفال در نظر گرفت.

۴.۳. قوانین وزارت نفت برای گسترش در زنجیره ارزش

در اینجا به بررسی سیاست ها و قوانین حوزه انرژی و زنجیره ارزش و قوانین مرتبط با مفهوم توسعه زنجیره ارزش پرداخته می شود. در بین تمامی سیاست های موجود، مجموعاً ۹ سیاست کلی در قالب ۱۵ بند به این موضوع اشاره کرده اند. تعریف این سیاست ها از مفهوم توسعه زنجیره ارزش عبارت است از فاصله گرفتن از خام فروشی، تکمیل زنجیره تولید، توسعه مزیت نسبی نفت و گاز و زنجیره پایین دستی آن و بالابردن درجه ساخت داخل تا محصول نهایی به منظور جایگزینی صادرات فرآورده های نفتی و محصولات پتروشیمی با نفت و گاز، مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز و تغییر نگاه به نفت و گاز از منبع تامین بودجه عمومی به منابع سرمایه های زاینده به عنوان عوامل زمینه ساز اقتصاد متنوع و پایدار.

۱.۴.۳. حساب ذخیره ارزی

برای اولین بار در ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه به تشکیل حساب ذخیره ارزی جهت «ایجاد ثبات در میزان درآمدهای ارزی و ریالی حاصل از صدور نفت خام در دوران برنامه سوم توسعه و تبدیل دارایی حاصل از فروش نفت به دیگر انواع ذخایر و سرمایه گذاری» اشاره شد و دولت مکلف شد از سال ۱۳۸۰ این حساب را افتتاح کرده و مازاد درآمد پیش بینی شده از صادرات نفتی را به این حساب واریز کند. یکی از موارد استفاده از حساب ذخیره ارزی که در ماده ۲۱ قانون برنامه چهارم نیز به آن اشاره شده «تقویت مزیت های رقابتی و توسعه صنایع مبتنی بر منابع، مانند صنایع

پتروشیمی» می‌باشد. در ماده ۲۳ این قانون نیز جهت توسعه صنایع پایین دستی به دولت تکلیف شده است که «به منظور هم‌افزایی در فعالیت های اقتصادی، با تأکید بر مزیت‌های نسبی و رقابتی به ویژه در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در طول سال‌های برنامه چهارم، هر ساله ۳۵٪ بهره مالکانه گاز طبیعی، با درج در طرح‌های تملک دارایی های سرمایه‌ای قانون بودجه، منحصرأ به مصرف اجرای طرح‌های زیربنایی و آماده سازی سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس و حوزه نفوذ مستقیم آنها خواهد رسید.» از ابتدای قانون برنامه پنجم، صندوق توسعه ملی جایگزین حساب ذخیره ارزی شد. تغییرات مورد نیاز نیز در ماده ۸۴ و ۸۵ قانون برنامه پنجم اعمال گردید.

۲.۴.۳. افزایش ظرفیت محصولات پالایشی و پتروشیمیایی

برای اولین بار اهداف صنعت پالایش و پتروشیمی کشور به صورت کمی در قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۲ مصوب اسفند ۹۳ بیان شد. در بند «ی» از ماده ۱ این قانون آمده است که «دولت مکلف است طی ۱۰ سال آینده ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی را به حداقل ۱۰۰ میلیون تن در سال و ظرفیت پالایش نفت خام و میعانات گازی در داخل کشور را به حداقل ۵ میلیون بشکه در روز افزایش دهد». پس از تصویب این قانون در جزء ۲ از بند ۱۲ قانون رفع موانع تولید مصوب ۱۳۹۴ به کلیه وزارتخانه‌ها از جمله نفت اجازه داده شده «تا سقف سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار به صورت ارزی و ۵۰۰ هزار میلیارد ریال به صورت ریالی در بخش های صنعتی از جمله پالایش نفت و میعانات گازی و تولید محصولات پتروشیمی قرارداد منعقد کند». تصویب این قوانین نشان از عزم جدی مسئولین در جهت افزایش ظرفیت محصولات پالایشی و پتروشیمیایی داشت. همچنین در ادامه تصویب این قوانین، سال ۹۶ در بند الف از ماده ۴۴ قانون برنامه ششم، دولت مکلف شد به منظور توسعه محصولات زنجیره ارزش و افزایش ارزش افزوده انرژی تسهیلات لازم برای ایجاد ظرفیت پالایش به مقدار دو میلیون و هفتصد هزار بشکه در روز نفت خام و میعانات گازی با ضریب پیچیدگی بالا توسط بخش غیردولتی (مجموع ظرفیت کشور ۴.۷ میلیون بشکه در روز) را به نحوی برنامه ریزی و اجرا کند تا ترکیب تولید فرآورده آنها اساساً به محصولات سبک تر و میان تقطیر اختصاص یابد و سهم نفت کوره در الگوی پالایش از ۱۰٪ بیشتر نشود، در

بخش بعدی این قانون ذکر شده است که برای جلب سرمایه گذاری بخش غیردولتی، برای افزایش ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی جدید به نحوی برنامه ریزی و اجرا کند که تا آخر اجرای قانون برنامه ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی کشور به ۱۰۰ میلیون تن افزایش یابد. بدین منظور الزام است خوراک مورد نیاز برای واحدهای مجتمع های تولیدی که پروانه بهره برداری از وزارت صنعت، معدن و تجارت را دارند و تأمین آب و برق مورد نیاز آنها میسر است و مشکلات زیست محیطی ندارند، با هماهنگی وزارت نفت تأمین گردد.

در این قوانین، هدف صرفاً تولید ۱۰۰ میلیون تن محصولات پتروشیمی عنوان شده است و اشاره ای به جایگاه محصول در زنجیره ارزش نشده است، یعنی این قانون هیچ تمایزی بین متانول و پلی استایرن و سایر محصولات زنجیره ارزش قائل نیست و این خود تناقضی آشکار با سایر بندهایی می باشد که به توسعه محصولات زنجیره ارزش تا لایه های آخر آن اشاره می کنند. همچنین در این قوانین بخش پالایش و پتروشیمی کاملاً جدا از هم در نظر گرفته شدند که نتیجه آن شرایط موجود در صنعت پالایش و پتروشیمی کشور است. در واقع این نکته را باید مورد توجه قرار داد که توسعه صنعتی متوازن و پایدار نیازمند آن است که یک برنامه ریزی سیستماتیک صورت گیرد در واقع نقش حاکمیت نباید صرفاً به عنوان تأمین کننده خوراک محدود شود، بلکه به دلیل سرمایه بر بودن این صنایع نیاز است که یک برنامه ریزی دقیق و جامعی از سمت حاکمیت با همیاری و همکاری بخش های خصوصی صورت گیرد تا توسعه صنعت در کنار حفظ منافع ملی، منافع بنگاهی را نیز برآورده نماید. در سال های گذشته با اجرا شدن اصل ۴۴ دولت نتوانسته است که جایگاه خود را در مسیر توسعه و احیا تعریف نماید، همین موضوع نیز سبب شده است که بخش خصوصی نیز نتواند به درستی فرصت های سرمایه گذاری را شناسایی و تعریف نماید. (نقطه کور) به طور خلاصه می توان اشاره کرد که حاکمیت می بایست با داشتن بینش کافی نسبت به چرایی و چگونگی توسعه صنایع پالایش و پتروشیمی، شرایط لازم را برای ورود سرمایه های مولد بخش خصوصی تسهیل نماید. در این مسیر نیز نیاز است که از سمت حاکمیت، ساز و کار اثربخشی در راستای ورود سرمایه به این بخش از اقتصاد طراحی و به کار گرفته شود. در هر صورت حاکمیت نیازمند این است که قابلیت های خود را در حکمرانی خوب (Good Governance) ارتقاء دهد. کار ویژه اصلی دولت و حاکمیت پارو زدن نیست بلکه سکان داری می باشد.

۳.۴.۳. سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی

بند ۱۰. حمایت همه جانبه از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت.

بند ۱۳. مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق افزایش صادرات پتروشیمی و سایر موارد.

بند ۱۵. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

۳.۴.۴. قانون برنامه پنجم توسعه

طبق ماده ۱۵۰، وزارت صنایع و معادن موظف است به منظور تحقق اهداف سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در قالب تدوین راهبرد (استراتژی) توسعه صنعتی و معدنی با هماهنگی معاونت در زیربخشهای برگزیده صنعت و معدن در جهت تحقق هدف رشد تولید صنعتی و معدنی با رعایت محورهای راهبردی ذیل به گونه ای اقدام کند که نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن افزایش یابد.

طبق همین ماده، توسعه زنجیره ارزش پایین دستی صنایع واسطه ای (پتروشیمی، فلزات اساسی، محصولات معدنی غیرفلزی) از طریق گسترش سرمایه گذاری بخش های غیردولتی با تأکید بر ایجاد شهرک های صنعتی تخصصی غیردولتی خواهد بود.

در ماده ۱۵۶ نیز بیان شده، به منظور توسعه صنایع میانی پتروشیمی و گسترش زنجیره ارزش صادراتی آن، شهرک های تخصصی غیردولتی که به منظور توسعه زنجیره های ارزش متانول، آمونیاک، استایرن و بوتادین با تصویب دولت تأسیس می گردند، مشمول مقررات و مزایای مربوط به قانون تأسیس شرکت شهرک های صنعتی ایران مصوب ۱۳۶۲ و اصلاحات بعدی آن بدون وابستگی به وزارت صنایع و معادن خواهند بود. درآمدهای حاصل از قراردادهای بلندمدت تأمین

خوراک صنایع میانی پتروشیمی از معافیت های صادرات غیرنفتی برخوردارند. آیین نامه این ماده مشتمل بر دامنه صنایع مشمول و چارچوب قراردادهای بلندمدت و سایر ضوابط مربوطه توسط معاونت با همکاری سایر دستگاه های مرتبط، تهیه و به تصویب هیئت وزیران میرسد.

۵.۴.۳. قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت

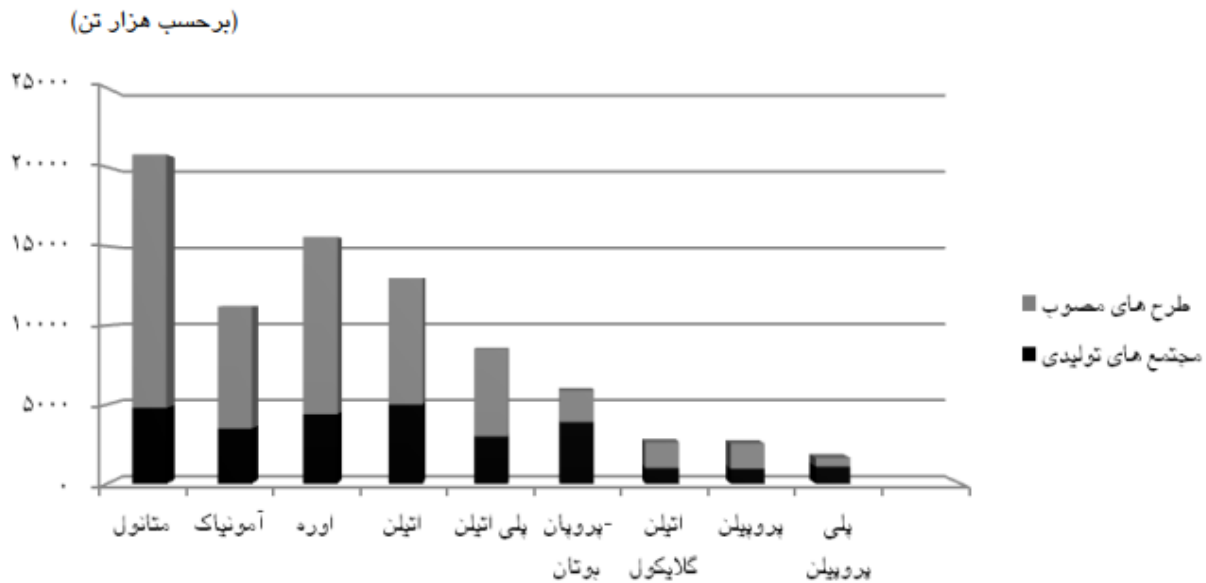
در ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مشخص شده است که از آن جمله عبارت است از:

- تهیه و تنظیم برنامه های راهبردی در عملیات بالادستی و پایین دستی صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش مطابق خط مشی ها و سیاست های ابلاغی و نظارت بر حسن اجرای آنها.

- تعیین خط مشی مؤثر به منظور جایگزینی صادرات فرآورده های نفتی و گاز و محصولات نهایی پتروشیمی به جای صدور نفت خام و گاز طبیعی مبتنی بر شاخص های اقتصادی، مزیت های رقابتی و تکمیل زنجیره ارزش.

طی سالهای اخیر فروش داخلی محصولات پتروشیمی افزایش یافته است، اما هنوز از برنامه فاصله دارد. مهمتر اینکه برخی از محصولات مانند متانول با وجود اینکه در حجم زیاد در کشور تولید میشود، اما سهم کمی در زنجیره ارزش افزوده و تولید محصولات پایین دست دارد و مقادیر قابل توجهی از این محصول صادر میشود. در واقع عدم توازن هایی از این دست نیز در صنعت پتروشیمی کشور وجود دارد.

بررسی ترکیب محصولات تولیدی و طرح های مصوب در صنعت پتروشیمی مالک مناسبی در مشخص ساختن جهت گیری صنعت پتروشیمی کشور در تحقق اهداف اسناد و قوانین بالادستی کشور است. در نمودار زیر ترکیب انواع محصولات پتروشیمی برحسب ظرفیت مجتمع های تولیدی و طرح های مصوب شرکت ملی صنایع پتروشیمی تا پایان برنامه پنجم توسعه نشان داده شده است.



نمودار ۲. ترکیب محصولات پتروشیمی براساس ظرفیت مجتمع های تولیدی و طرح های مصوب تا پایان برنامه پنجم توسعه صنعت پتروشیمی

مأخذ: شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ۱۳۹۴

**فصل چهارم: سیاست های
توصیه ای در جهت مدیریت
انفال در زنجیره ارزش**

۱.۴. صندوق و شرکت سرمایه گذاری از مالیات بر درآمد پتروشیمی

تجربه تشکیل انواع صندوق ها اعم از ذخیره ای، تثبیتی و بین نسلی طی سالیان گذشته در کشورهای صادر کننده منابع طبیعی حاکی از این واقعیت است که از یک سو مقامات نسلی (دولت ها) سیاستگذاران مناسبی در این خصوص نیستند، لذا سعی شده است با تشکیل صندوق ها جایگاه تصمیم گیری این حوزه به یک مقام کلان نگر و بلند مدت ارتقا یابد و از سوی دیگر تشکیل این صندوق ها در کنار منافع چشمگیر، دو ویژگی حیاتی برای اقتصاد کشورها می تواند به همراه داشته باشد:

- شفافیت در نظام اقتصادی و چگونگی تخصیص منابع،
- قابل محاسبه شدن برداشت از منابع طبیعی در راستای توسعه متوازن صنعت کشور.

باتوجه به اصل ۴۵ قانون اساسی، انفال و ثروت های عمومی در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن عمل نماید؛ بنابراین یکی از الفاظ مهم در این بند از قانون، مصرف بر اساس مصالح عامه می باشد، این مسئله هدف اصلی اکثر سیاست ها و مطالعات می باشد، از آنجایی که نفت و گاز مهم ترین ثروت طبیعی در کشور بوده و طبق قانون اساسی استفاده صحیح و حفظ و نگهداری آن از وظایف نخست حکومت و نه دولت می باشد تا درباره چگونگی برخورد و توزیع آن اقدام کند. متأسفانه در حال حاضر وضعیت حوزه نفت و گاز در کشور به گونه ای است که نه شفافیت خوبی دارد و نه توزیع آن به شکل موجود منافع ملی را حداکثر می کند. بخش عمده ای از این منابع درآمدی در قالب یارانه های غیر هدفمند و غیر شفاف و بخش دیگری در قالب سیاست های مالی و بودجه ای دولت ها به اقتصاد ملی تزریق می شود که تنها به دست عده قلیلی از افراد که عمدتاً سرمایه دار می باشند و در بخش مولد اقتصاد سرمایه گذاری نمی کنند، می رسد. در اینجاست که استفاده براساس مصالح عامه معنای خود را پیدا می کند.

اینکه این شیوه برخورد با منابع ملت چقدر به معیار عدالت نزدیک است، خود بحث مفصلی است. از سویی در حال حاضر میزان برخورداری آحاد ملت از این موهبت و نعمت را نیز نمی توان محاسبه کرد اما مشخص است که برخورداری شهرهای بزرگی که دارای صنایع بالادستی پتروشیمی بوده بسی بیشتر از شهرها و روستاهای دورافتاده و محروم کشور است و به عبارت دیگر و دقیق تر می

توان بعضی از شهرهای بزرگ و مخصوصاً تهران را یک (پدیده نفت و گازی) در نظر گرفت، اما صنایع نهایی و پایین دستی پتروشیمی این ویژگی را دارند که در مقیاس های کوچک و بزرگ در مناطق مختلف کشور حتی در مناطق محروم و روستایی کشور ایجاد رونق اقتصادی و اشتغالزایی کند.

ایجاد صندوق ملی صنایع پایین دستی پتروشیمی می تواند دومین گام اصلاحات در حوزه نفت و گاز کشور باشد. ایجاد این صندوق به عنوان یک مقام و بازوی اجرایی بلند مدت محور ضامن حفظ منافع ملی در بلند مدت و عامل شفافیت در نظام اقتصادی و قابل محاسبه شدن برداشت ها از ثروت های عمومی خواهد بود. ساختار و تشکیلات صندوق ملی صنایع پایین دستی، نیاز به هم اندیشی ها و بررسی های بیشتری دارد. تعیین خط مشی ها و سیاست های کشور در حوزه نفت و گاز در جهت صنعت پتروشیمی از سویی و توزیع محصولات پایه پتروشیمی حاصل از منابع انفال در قالب خوراک از سوی دیگر می تواند مهم ترین وظیفه این صندوق ملی باشد به طوری که مقداری از سودهای اضافی به دست آمده ناشی از رقابت در فروش تولیدات پتروشیمی در بورس کالا به این صندوق واریز شده تا بتوان از آن در توسعه صنایع پایین دستی پتروشیمی مورد استفاده قرار گیرد. در راستای انجام این وظایف، شرکتی مانند شرکت سرمایه گذاری صنایع پایین دستی نیز می تواند عامل اجرایی در پیاده سازی سیاست های این صندوق بوده و با ارائه خدمات مالی، اقتصادی، بازرگانی و حقوقی به بنگاه ها و کارخانجات تولیدی صنایع پایین دستی در صدد چابک سازی و توسعه آنها پرداخته تا بتواند در کنار آن، هر ساله قسمتی از منابع صندوق را به منزله حق نسل های آینده به سرمایه تبدیل کند تا بدین وسیله نسل های آینده که از وجود ثروت نفت و گاز و تولیدات در زنجیره آنها بهره ای داشته باشند و از درآمد این سرمایه گذاری ها برای رفع نیاز هایشان بهره مند شوند.

از هر ساختار اقتصادی انتظار می رود تا در سه حوزه دیدگاه خود را بیان کند: اول تعیین و توزیع مالکیت عوامل تولید قبل از مرحله تولید؛ دوم چگونگی تخصیص منابع و سهم بری عوامل از ارزش افزوده حاصل در مرحله تولید؛ سوم چگونگی باز توزیع درآمد پس از مرحله تولید. می توان تفاوت در دیدگاه ها و چگونگی سامان دادن به این سه حوزه را وجه تمایز ساختار های اقتصادی دانست.

اگر قلمرو عدالت توزیعی حوزه دوم از سه حوزه فوق تلقی شود؛ می تواند این معنی را داشته باشد که چگونه تخصیص منابع و سهم بری عوامل تولید می تواند در مرحله تولید، ارزش افزوده حاصل نماید، در این صورت از یک سو تئوری عدالت توزیعی در جایگاه کارکرد حاکم بر این حوزه است و از سوی دیگر باتوجه به اصل حاکمیت بازار در این قلمرو در نظام اقتصادی اسلام، می توان گفت دولت از دیدگاه اسلامی نمی تواند در این حوزه به تصدیگری پردازد؛ بنابراین باید سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را در همین راستا تفسیر کرد، یعنی نظام اقتصادی کشور پذیرفته است که دولت نباید در این قلمرو تصدیگری داشته باشد و این خود مردم هستند که به کارآمدترین شیوه می توانند تخصیص منابع به تولید و توزیع آن را سامان بخشند و صندوق هایی در جایگاه های بین نسلی با ویژگی های بیان شده می توانند نقش بسزایی را در این مسیر ایفا کنند و خاصا در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی موجب گردش منافع حاصل از آنها در تمامی زنجیره ارزش و توزیع کارآمد ثروت در بخش قابل توجهی از مردم از طریق اشتغالزایی پایدار می باشد.

۲.۴. مشوق های مالیاتی در مسیر توسعه صنایع میان دستی و پایین دستی پتروشیمی

نظام مالیات بر اشخاص حقیقی در ایران، معایب و نقص هایی دارد. تحول در نظام مالیاتی نیز یکی از ضرورت هایی است که در اسناد بالادستی کشور از جمله سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت آمده است. یکی از راهکارهای اصلی جهت اصلاح این ساختار، تحول سیستمی با محوریت استقرار مالیات بر مجموع درآمد است؛ اما الگوی مالیات بر مجموع درآمد ظرایف بسیاری دارد که لازم است انواع و ابعاد مختلف آن و تجارب کشورها در این باره مورد ارزیابی قرار گیرد و شرایط مختص به ایران نیز واکاوی شود.

باتوجه به سیاست خام فروشی و نیمه خام فروشی در کشور، اقتصاد ایران از ارزش افزوده چشمگیر بخش پایین دستی صنعت پتروشیمی محروم است. به عبارت دیگر در ساختار فعلی کشور، اثری از هدایت گری به سمت ارتقاء و پیشرفت صنایع میان دستی پتروشیمی که منجر به ارتقاء سطح

محصولات نهایی صنایع پایین دستی پتروشیمی و هم چنین توسعه زیرساخت های لازم صنایع پایین دستی که منجر به جذب سرمایه گذاری های خصوصی و خارجی و اشتغالزایی پایدار بوده، دیده نمی شود.

بنابراین به منظور حفظ منابع ملی کشور و با توجه به سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و اصل ۴۴ قانون اساسی ضروری است، بخش خصوصی عمده فعالیت های پایین دستی بخش نفت و گاز را انجام دهد، که این امر خود باعث مصرف انفال در مسیر مصالح عامه خواهد شد به عنوان گام سوم اصلاحات، باید به دولت تکلیف شود طی یک دوره مشخص، طوری برنامه ریزی و عمل کند که پس از طی آن دوره تقاضای نهایی نفت و گاز و حتی بالادستی صنعت پتروشیمی به عنوان صادرات در اقتصاد ایران کم رنگ تر شده و نفت و گاز تولیدی و محصولات پایه پتروشیمی (با احتساب ابعاد فنی) در چرخه تولید داخلی به کار گرفته و صادرات محصولات نهایی پلیمری و پلاستیکی افزایش یابد.

از جمله سیاست هایی که می تواند به اهداف مذکور کمک کند و در خدمت آن باشد می توان به اعطای مشوق های مالیاتی جهت تحریک سرمایه گذاری اشاره کرد، چرا که رسیدن به چرخه صحیح از گردش منافع مالی در ساختار یک نظام اقتصادی یکی از ویژگی های مشترک تمام سیستم های مالیاتی دنیا است. به عبارت دیگر، اگر مقایسه ای تطبیقی بین سیستم های مالیاتی دنیا صورت پذیرد یکی از فاکتورهای قابل مقایسه، مشوق های مالیاتی خواهند بود که در بطن خود میزان عقلانیت اقتصادی عاملان را منعکس می کنند. البته، این مشوق ها هم مانند اصل مالیات جنبه های مختلف اقتصادی، حقوقی و سیاسی دارند. یعنی از یک طرف اهمیت و توجیه اقتصادی آنها مهم است و از طرف دیگر ابعاد سیاسی آنها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دقیق تر، در برخی مواقع ممکن است مشوق های مالیاتی، باعث شکل گیری گروهی از طرفداران قدرتمند در بین فعالان اقتصادی شوند. برخی سیاسیون هم در جوامع ممکن است با انگیزه های متعدد از جمله انتخاب مجدد به قدرت سیاسی کنونی خود و یا پیگیری توسعه متوازن منطقه ای، شدیداً از این سیاست های حمایتی، دفاع کنند. صرف نظر از نوع هدف، این سیاستها ممکن است کانال بسیار مناسب و ارزان و نوعی سواری مجانی برای جذب طرفداری افراد از طیف های مختلف برای سیاسیون

باشد. در هر صورت، حقیقت این است که هزینه های این نوع سیاست ها برای مدت طولانی مورد محاسبه قرار نگرفته و تا زمانی که «فشارهای شدید کسری بودجه» و «عدم پایداری سیاست مالی» به صورت جدی اقتصاد کشور را تهدید نکند، می تواند مورد استفاده قرار گیرد؛ در این صورت است که جنبه اقتصادی قضیه به بعد سیاسی آن غلبه خواهد کرد. در هر صورت مطالعه بر صنایع شیمیایی نشان داده که هر چند سرمایه گذاری در این صنایع نسبت به مشوق ها حساس است ولی این حساسیت به اندازه ای نیست که بتواند منافع ناشی از حمایت های مالی دولت در اقتصاد (مانند افزایش ثروت در اقتصاد یا افزایش اشتغال) بیشتر از هزینه های آن (درآمد از دست رفته دولت) باشد. لذا، آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که مشوق های مالیاتی ضمن نقض اهداف اولیه سیاست های کلان اقتصادی یعنی عدالت مالیاتی، از جمله ابزارهای هزینه بر برای دولت می باشد که هزینه های نسبتاً زیادی را به اقتصاد ملی تحمیل می کنند و باعث انحراف منابع از محل اصلی خود می شوند، اما اگر این مشوق ها به صورت هدفمند و در دوره ای مشخص برای تقویت صنعت خاصی باشد، از مصادیق مصارف انفال قرار خواهد گرفت و نه تنها چندین برابر هزینه ای را که دولت صرف تقویت صنعتی مانند صنعت میان دستی و پایین دستی پتروشیمی می کند را به دولت از طریق مالیات ستانی و هزینه های مسئولیت اجتماعی پس می گیرد، بلکه می تواند به عنوان یک سرمایه گذاری بلندمدت در جهت افزایش صادرات و اشتغال در نظر گرفته شود، لذا گام های بعدی باید در راستای بازنگری و اصلاح سیاست های تشویق سرمایه گذاری و به ویژه انتخاب مشوق های مالیاتی مؤثر برداشته شوند.

نخستین موضوع نیازمند بررسی، میزان نظم اجتماعی و چابکی نظام اداری و بوروکراسی کشور است. کشورهای در حال توسعه از جمله ایران دارای نظم اجتماعی پایین تری نسبت به کشورهای توسعه یافته هستند. این موضوع را میتوان از شاخص هایی چون میزان شفافیت قوانین، میزان شفافیت مالی و شفافیت تصمیم گیری نهادهای حاکمیتی، میزان خلأهای قانونی، شاخص سهولت کسب و کار، ضمانت اجرایی قوانین، تعداد پرونده های قضایی و مدت زمان رسیدگی به شکایات حقوقی و مالیاتی در قوه قضائیه و قوه مجریه متوجه شد. در بیشتر این شاخص ها ایران وضعیت چندان مطلوبی ندارد و پایین تر از کشورهای توسعه یافته قرار دارد توجه به این مسئله در طراحی نظام مالیاتی بسیار ضروری است؛ وارد کردن یک سیستم پیچیده در کشوری که حکمرانی

مالیاتی قوی و مطلوبی ندارد موجب آشفته تر شدن اوضاع میشود و افزون بر ایجاد دردهای بوروکراتیک، باعث فرار مالیاتی نیز خواهد شد؛ از اینرو در کشورهای در حال توسعه، باید سیستم های مالیاتی ساده تر در بخشهای مختلف و متناسب با هر بخش برقرار شود تا اهداف سیاست گذار بهتر تأمین شود (لازم به ذکر است هدف اصلی مالیات خرج کردن در مسیر توسعه و اشتغالزایی است) تحول نظام مالیاتی مطابق با اسناد بالاستی نظام، به ویژه سیاست کلی اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یک امر ضروری است. همچنین، در این اسناد اهداف و ویژگی هایی برای نظام مالیاتی نوین ذکر شده که توجه به آنها در بازطراحی نظام مالیاتی لازم است. بنابراین، پیش از ارائه الگوی پیشنهادی برای ایران لازم است در این قسمت اصول اقتصاد مقاومتی و دلالت های آن در طراحی نظام مالیاتی تبیین شود. مطابق روح کلی اقتصاد مقاومتی، نظام اقتصادی نباید شکننده باشد تا در صورت تحریم دچار بحران اقتصادی شود، در این راستا یکی از راهکارهای مقاوم سازی اقتصاد، افزایش درآمدهای مالیاتی به منظور قطع وابستگی به درآمدهای نفتی است. این مهم به طور صریح در بند ۱۷ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی ذکر شده است، از سوی دیگر نباید صرفاً افزایش درآمدهای دولت مدنظر باشد؛ زیرا ممکن است در آن صورت از هدف اصلی یعنی حرکت در جهت توسعه و اشتغالزایی و رعایت عدالت و ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی دور شود، بنابراین نظام مالیات بر مجموع درآمد باید به گونه ای طراحی شود که باعث سوق دادن جریان نقدینگی به سمت فعالیت های غیرمولد نشود تا اشخاص حقیقی بدون هیچ اختلالی به بخش واقعی اقتصاد روی آورند. به همین دلیل با وجود اینکه هدفمند کردن درآمدهای مالیاتی به مصرف در زمینه های اقتصادی خاصی در نگاه کلی بودجه توصیه نشده است اما هدایت هدفمند در بازه های زمانی مشخص می تواند تاثیر بسزایی در توسعه بخش های اقتصادی داشته باشد، از آنجایی که دولت میزان قابل توجهی مالیات از پتروشیمی ها و صنایع بالادستی پتروشیمی دریافت می کند، اما مصارف آن معمولاً به صورت هدفمند در مسیر توسعه صنعت پتروشیمی که از مهمترین بخش های اقتصادی جهان و ایران شناخته شده، استفاده نمی گردد، بنابراین نظر بر آن است که بخشی از مالیات هایی که از صنایع بالادستی پتروشیمی گرفته می شود در مسیر توسعه صنایع میان دستی و بالادستی پتروشیمی در قالب تامین خوراک موردنیاز، انتقال تکنولوژی، تامین زیرساخت های اقتصادی، طراحی و راه اندازی شهرک های

اختصاصی شیمیایی، پلاستیکی و پلیمری در بازه زمانی مشخصی مورد استفاده قرار گرفته شود چرا که در همه کشورهای توسعه یافته ابتدائاً در صنایعی که مزیت دارند اما در آنها نوپا هستند حمایت های صادراتی، مالیاتی و مالی انجام داده تا به وضعیت با ثباتی رسیده و بعد به بهره برداری اقتصادی از آنها پرداخته اند و این مسئله از مصادیق مصارف انفال در جهت مصالح عامه می باشد.

گونه دیگری از مالیات ها در قالب مالیات های منفی یا همان یارانه ها مطرح می شود که یارانه ها نیز می تواند به دو بخش نقدی و غیر نقدی تقسیم شود، گاهی اوقات دولت برای حمایت از گروه خاصی از مصرف کنندگان و یا تولیدکنندگان با اهداف خاص افزایش و یا کاهش مصرف، توسعه زیرساخت ها و ایجاد جذابیت اقتصادی از یارانه استفاده می کند، با توجه به مباحث صورت گرفته در جهت حمایت از صنایع میان دستی و پایین دستی پتروشیمی می توان به بنگاه های تولیدی در این صنایع یارانه تعلق داد؛ این مسئله نیازمند طراحی یک نظام پرداخت یارانه ای خاص می باشد، از آنجایی که بزرگترین مسئله بنگاه های تولیدی پایین دستی، تامین خوراک آنها می باشد، دولت می تواند یارانه غیرنقدی شامل سبد خوراک های مختلف در شرایط و دوره های زمانی خاص در اختیار آنها قرارداد تا موجبات تقویت و راه اندازی آنها را فراهم آورد، به طور مثال می توان برای بنگاه های تولیدی تازه تاسیس به مدت ده سال یارانه خوراک تعلق بگیرد و یا برای شرکت هایی که سطح اشتغالزایی خود را از مقدار معینی افزایش دهند و یا محصولات خود را صادراتی کرده و برخی گواهی های استاندارد را دریافت نماید به میزان مشخصی یارانه خوراک دریافت نمایند، این طرح نیاز به بررسی های دقیق تر و متناسب با نظام اداری کشور خواهد داشت که باید در مطالعات دیگر مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۳.۴. عدم تطابق سیاست های تجاری با سیاست های توسعه ای در صنعت پتروشیمی

سازوکارهای غیرهدفمند در ایجاد انگیزه صادرات (دریافت سود بالاتر در صادرات و معافیت های مالیاتی خاص و نادرست بر صادرات در مقابل پرداخت مالیات در عرضه داخلی) تمایل واحدهای پتروشیمی به صادرات محصولات نسبت به عرضه داخلی آن به صنایع تکمیلی بیشتر است. بخش خصوصی پتروشیمی به دلیل سودآوری بیشتر صادرات نسبت

به فروش داخلی بخش قابل توجهی از محصولات خود را صادر و تعهدی برای تأمین نیاز تولیدکنندگان داخلی ندارند. به عبارت دیگر سودآوری پتروشیمی های گازی به دلیل خوراک نسبتاً ارزان از یک سو و صادرات محصولات از سوی دیگر باعث می شود تعهدی برای تأمین نیاز تولیدکنندگان داخلی (صادرات مجدد محصولات نهایی) در بخش خصوصی و سرمایه گذاری و تولید محصولات میان دستی و پایین دستی پتروشیمی در داخل انجام نشود. معافیت مالیات بر صادرات محصولات بالادستی پتروشیمی و حذف ارزش افزوده در برابر پرداخت مالیات و ارزش افزوده به داخل در کنار قیمت گذاری عرضه داخلی با نرخ ارز ترجیحی باعث ترغیب فرایند صادرات در عین نیازمندی در داخل میشود. تنگناهای ارزی ناشی از تحریم نیز باعث مزیت تأمین ارز صادرکنندگان شده و واردات در برابر صادرات را به عنوان چرخه بازگشت ارز تجاری کشور به رسمیت می شناسد و این مساله، برتری صادرات بر تأمین نیاز داخلی را بیش از پیش تشدید می کند. لذا لازم است معافیت های مالیاتی در مسیر صادرات محصولات بالادستی پتروشیمی رفع شده و مانع از تشویق به صادرات مواد نیمه خام شود، در مرحله بعد نیز می توان متناسب با نیاز داخل وضع عوارض صادراتی مطابق بند د ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم با رعایت ماده ۳۷ قانون رفع موانع تولید برای جلوگیری از خام فروشی محصولات یارانه ای در دستور کار قرار گیرد. در این خصوص باید توجه شود شرکت های مستقر در مناطق آزاد به مدت ۱۰ سال از معافیت مالیات بر درآمد برخوردار بوده اند که اخیراً این مدت تا ۲۰ سال تمدید شده است. از طرف دیگر شرکت های پتروشیمی در صورت صادرات محصولات از معافیت مالیاتی برخوردار خواهند بود (ماده ۱۴۱ قانون مالیاتهای مستقیم) ولی در صورت عرضه داخلی مشمول مالیات بر درآمد (۲۵ درصد) می باشند. در مقابل شرکت های پتروشیمی با خوراک مایع (که بیشتر مواد اولیه صنایع تکمیلی را تولید می کنند) عمدتاً در سرزمین اصلی و مادر هستند و از معافیت های شرکتهای مناطق آزاد برخوردار نیستند، این مسئله تفاوت رفتار در بین انواع انفال را نیز نشان می دهد که توجه به خوراک های گازی نسبت به خوراک های مایع را در بین سرمایه داران را بیشتر می کند که خود باعث توسعه ناقص در صنایع پتروشیمی می شود.

لازم است در اینجا به مواردی برای رفع تناقضات بین سیاست های تجاری و مالیاتی با سیاست های توسعه و تکمیل زنجیره ارزش بیان شود؛

الف: می توان حذف معافیت مالیاتی بر درآمد صادراتی کالاهای واسطه ای پتروشیمی را به منظور ارتقاء ارزش افزوده تولیدات پتروشیمی کشور بیان کرد، درصدی از صادرات کالاهای واسطه ای متانول، آمونیاک، اوره و پلی اتیلن از شمول مالیات با نرخ صفر موضوع ماده ۱۴۱ قانون مالیات های مستقیم خارج شوند که بخشی از این مالیات طبق مباحثی که بیان شده، می تواند در جهت تکمیل زنجیره ارزش قرار گیرد.

ب: می توان حذف معافیت مالیات بر درآمد صادراتی گاز مایع (LPG) و گازهای پروپان و بوتان را به منظور ارتقاء ارزش افزوده تولیدات پتروشیمی کشور در نظر گرفت گاز مایع و گازهای پروپان و بوتان حاصل از شرکت های پتروشیمی و پالایشگاههای گازی به جدول (ب) فهرست مواد خام و کالاهای نفتی موضوع ماده ۱۴۱ اصلاحی قانون مالیات های مستقیم مصوب ۹۶/۰۵/۱۶ هیئت وزیران اضافه گردد.

ج: اعمال عوارض صادراتی کاهنده بر صادرات مواد خام متناسب با افزایش ارزش افزوده داخلی و کاهش پلکانی عوارض دریافتی صادراتی از شرکتهای در صورت حرکت در زنجیره ارزش و تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر و واریز منابع حاصل از این عوارض در صندوق ملی پتروشیمی برای توسعه صنایع میان دست و پایین دست پتروشیمی، می تواند از جمله اقداماتی مفید در این مسیر باشد.

۴.۴ هم مسیری با روند بازارهای جهانی به مثابه مصالح عامه

با تحول ساختار جهانی و با توجه به تاثیرات سهم واردات محصولات پتروشیمی، بر انتقال نرخ ارز و در نتیجه بر قیمت های داخلی این محصولات، صنعت پتروشیمی در ایران نمی تواند بیش از این از گستره تحولات جهانی عقب بماند. بنابراین توصیه میشود سیاست های حمایتی دولت در راستای بهبود کیفیت، کاهش قیمت و به کارگیری دانش و فناوری جدید اتخاذ گردد تا محصولات داخلی

بتوانند جایگاه خود را در بازار جهانی تثبیت کنند، از آنجایی که اقتصاد کشورهای مختلف جهان به عنوان یک سیستم بهم پیوسته اقتصادی تحت عنوان اقتصاد جهانی در نظر گرفته می شود بنابراین ارتباط با کشورهای جهان و زیر نظر گرفتن روند بازارهای جهانی جزئی از ملزومات پیشرفت و توسعه کشور می باشد، گزارشات متعددی نشان داده اند که شناسایی و بررسی روند بازارهای جهانی و شناخت مسیرهای درست یعنی عدم انحلال در فضای تقسیم کار جهانی (عدم تبدیل شدن به تولیدکننده مواد اولیه و مصرف کننده محصولات نهایی) و شناسایی ظرفیت های دقیق باعث ایجاد زیرساخت های لازم، افزایش سطح اشتغالزایی، افزایش سطح درآمدزایی پایدار و کم رنگ کردن اثرات تحریم ها می شود؛ وقتی به کلیات سیاست های اقتصاد مقاومتی پرداخته می شود، می توان دریافت، اثراتی که در بالا شمرده شده از اهدافی است که اقتصاد مقاومتی در کشور به دنبال آنها بوده و درصدد رسیدن به آنها می باشد؛ بنابراین این مجموعه از اثرات را می توان در جهت مصالح عامه در نظر گرفته و مبنای صدور برخی از احکام اقتصادی در اقتصاد مقاومتی و اسلامی شناخت.

۵.۴. تعارضات سازمانی مانعی در مسیر توسعه صنعت پتروشیمی

انواع مختلف تعارضات در مسیر رشد و توسعه صنعت پتروشیمی وجود دارد که می توان در ابتدا به تعارض سازمانی به شکل زیر اشاره کرده که همگی به عنوان مانعی در سر راه توسعه صنعت پتروشیمی تبدیل شده اند:

۱.۵.۴. تعارضات و ناهمانگی میان وزارتین نفت و صمت

الف: عدم صدور مجوزهای محصولات پتروشیمی مبتنی بر نیازهای صنعتی
ب: نبود مرزبندی مشخص حیطة تولی گری و تصدی گری وزارت نفت و وزارت صنعت، معدن و تجارت به دلیل نبود تعریف دقیق از صنایع پایین دست پتروشیمی. در این مورد می توان صدور جواز تاسیس برای دو شرکت پتروشیمی تولیدکننده پلی استایرن در قم و گنبد کاووس اشاره کرد. در حالیکه وزارت نفت، خود را متعهد به تامین خوراک استایرن این دو مجتمع ندانسته و از طریق کامیون خوراک لازم به این دو مجتمع ارسال میگرد.

مواردی از این دست در کشور به دلیل مشخص نبودن متولی توسعه زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی در ایران وجود دارد.

ج: انتقال مدیریت صنایع شیمیایی از یک دستگاه تخصصی (وزارت نفت) به چندین وزارتخانه و موسسات عمومی غیرتخصصی، پس از خصوصی سازی گستره آن صنایع و تقسیم مدیریت صنایع پتروشیمی بین صندوق های بازنشستگی و سرمایه گذاری، سهام عدالت، وزارتخانه های صمت، آموزش و پرورش، دفاع و وزارت کار و زیرمجموعه های ارتش و سپاه، باعث ایجاد چند دستگی در مدیریت و مالکیت این صنایع شده که در برخی موارد تضاد منافع بین چند شرکت پتروشیمی که صاحبان آنها متفاوت بوده اند باعث عدم ایجاد یک منفعت ملی برای کل کشور شده و تنها یک شرکت با مالکیت خاص از آن بهره برده است.

سازمانهای دولتی و عمومی جدید عموماً هم تخصص حرفه های مدیریت پتروشیمی را نداشته و هم درآمد واحدها را صرف بدهی های خود کرده و کمتر به تداوم طرح های توسعه ای اقبال نشان داده اند. قطعه قطعه شدن واحدها امکان تامین مالی بیرونی را کاهش داد و شکستن برند واحد ایرانی در بازارهای صادراتی منجر به رقابت قیمت واحدهای داخلی در بازارهای خارجی و کاهش درآمد صادراتی ایران شد. از همه مهمتر اینکه واحدهای مستقل با معیار "سود" تصمیم به عرضه محصولات در داخل و یا خار ج می کنند و تکمیل حلقه به حلقه زنجیره ارزش در نفوذ لابی های شبه دولتی به شدت تضعیف گردید.

۲.۵.۴. تعارض راهبردها

در مورد این تعارضات میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: ناسازگاری میان سیاست های حوزه تامین انرژی و توسعه صنعتی

ب: عدم ارتباط درست سیاست های تامین انرژی و توسعه صنعت در کشور باعث شده در ایران همواره سیاست های انرژی (از جمله در وزارت نفت) بالادست بوده و صنعت کشور می بایست خود را با آن تنظیم کند، نه اینکه نیازهای صنعتی، مبنای

سیاست های کلی حوزه انرژی قرار گیرد. در حالیکه در کشورهای دیگر، سیاست گذاری دسترسی به خوراک و تخصیص آن متناسب با نیاز صنایع انجام می شود. به عبارت دیگر ابتدا لازم است اولویت های صنعتی در پایین دست تعریف شده و سپس متناسب با نیاز صنایع مذکور، خوراک لازم تخصیص یافته و واحدهای پتروشیمی متناسب تاسیس گردد.

اگر نگاهی به نهادهای متولی توسعه صنایع پتروشیمی در هند انداخته شود، نتایجی را به همراه داشته که می تواند راهنمایی برای توسعه صنعت پتروشیمی ایران باشد؛ نحوه تعیین سیاست های کلی صنعت پتروشیمی هند با در نظر گرفتن اولویت های سیاست گذاری در کمیته ای متشکل از ناظرانی از دپارتمان مواد شیمیایی و پتروشیمی، وزارت نفت و گاز، دپارتمان نیرو، دپارتمان کود و وزارت نساجی انجام میشود که سیاست گذاری کلان برای استفاده کامل از خوراک موجود را بر عهده دارند و این کمیته پیشنهاد گسترش دسترسی به خوراک و تخصیص خوراک متناسب با نیاز هر صنعت را بر عهده دارد. در این کمیته تصمیم گیری می شود که چه مقدار خوراک برای مثال باید صرف تولید محصولات نساجی شود، چه میزان خوراک باید صرف تولید کود جهت کشاورزی شود و برنامه های توسعه ای برای آینده بر اساس نیاز داخلی چیست؟ به عبارت دیگر در یک جمله می توان گفت که نیاز پایین دست تعریف میشود و برای رسیدن به این نیاز واحد پتروشیمی راه اندازی می شود. دولت هند صنایع پایین دستی صنایع شیمیایی را کاملا از صنایع بالادستی نفت و گاز جدا دانسته و در وزارتخانه جداگانه به آن رسیدگی می کند زیرا نوع وظایف و نوع کارکرد دو بخش کاملا متفاوت هستند. دولت هند بر اساس اولویت های صنعتی خود نظیر کشاورزی، نساجی، پلاستیک و غیره، اقدام به احداث واحد و تخصیص خوراک برای پتروشیمی می کند و کمیته تعیین سیاست گذاری کلان پتروشیمی به صورت جمعی با دیگر سازمان های ذینفع تصمیم گیری و سیاستگذاری می کند. در هند علاوه بر توسعه واحدهای بزرگ پتروشیمی، وظیفه توسعه واحدهای کوچک تولیدی نظیر پلاستیک، فیبرهای سنتزی در ابعاد کوچک و بزرگ تا رسیدن محصول به دست

مصرف کننده نیز بر عهده همین دپارتمان است و صرفاً به تولید ماده اولیه محدود نمی شود. البته در صنعتی مانند نساجی یا خودروسازی به علت اهمیت و وسعت کار پایین دست محصولات، مدیریت امور در وزارت خانه ای جدا گانه بررسی میشود.

این دپارتمان وظیفه جذب سرمایه گذار، تدوین برنامه جامع افزایش تقاضای داخلی و مصرف محصولات پتروشیمی، تدوین سیاست های کلی مالیات و تعرفه در صنعت پتروشیمی، تامین کننده خوراک واحدهای پتروشیمی، تبیین زیرساخت های مورد نیاز صنعت پتروشیمی، تحقیق و توسعه در تکنولوژی های صنعت پتروشیمی، توسعه و یافتن کاربردهای پلاستیک در صنایع مختلف، حفظ محیط زیست و بازیافت محصولات پلاستیکی در صنعت پتروشیمی و ایجاد قوانین تسهیل کننده جهت ادامه زنجیره ارزش پتروشیمی نظیر خصوصی سازی و توسعه نیروی انسانی را نیز برعهده دارد.

ب: تعارضات ناشی از سناریوهای مختلف مصرف گاز

مصرف گاز شامل سبد متنوعی از سناریوهای متعددی است که انتخاب هر یک باعث تقویت منافع گروه های خاص میشود و منافی دیگر را به مخاطره می اندازد.

۱. در ابتدا به عنوان یکی از مصارف با اهمیت گاز، تزریق آن در میادین نمک به عنوان راه حلی مناسب برای ذخیره گاز بوده که می تواند موجب توسعه میادین نفت و گاز شود.^۱ به همین دلیل تزریق به میادین نفتی به عنوان روش مناسب برای افزایش استخراج نفت مطرح است. ضرورت دارد تا این مورد توسعه یابد که به نظر می رسد میتواند یکی از بهترین سناریوها برای مصرف آینده باشد. بدین ترتیب ظرفیت بازیافت نفت کشور نیز افزایش یافته و امکان ذخیره بیشتر نفت نیز فراهم میشود.

^۱ در حال حاضر در میادین نمک در قم و شمال کشور، موضوع ذخیره گاز انجام میشود.

۲. تزریق گاز به خط لوله سراسری برای مصارف خانگی و صنعتی، با وجود اینکه این مورد در توسعه کلان اقتصادی کشور از اهمیت پایینی برخوردار است ولی متأسفانه بنابر الگوی توسعه و مصرف نادرست، بخش قابل توجهی از گاز تولیدی کشور را به خود اختصاص داده است.

۳. در خصوص تولید فولاد به روش احیای مستقیم (که در بیشتر شرکت های فولادی ایران به جز ذوب آهن اصفهان و فولاد اردکان از این روش استفاده می شود) به نظر می رسد با برنامه ریزی های انجام شده در خصوص تولید ۵۰ میلیون تن فولاد دیگر ظرفیتی برای توسعه این مورد وجود نداشته باشد.

۴. تولید خودروهای گازسوز: در این زمینه نیز به نظر میرسد ظرفیت چندانی برای توسعه وجود نداشته باشد. در حال حاضر، ایران بزرگترین مصرف کننده CNG در دنیا است. در رتبه های بعدی، کشورهایمانند پاکستان و آرژانتین با فاصله بسیار زیاد قرار دارند.

۵. یکی از بهترین روش ها برای استفاده از گاز، مایع سازی آن (تولید LNG) است. البته این مورد نیاز به فناوری بالایی دارد که به صورت انحصاری در دست عده معدودی از کشورها است و البته بیشترین استفاده قطر از میادین گازی مشترک با ایران به تولید همین محصول اختصاص می یابد. در این خصوص ضروری است با حمایت از شرکت های دانش بنیان، حرکتی اساسی در کشور صورت پذیرد.

۶. مصرف در صنعت پتروشیمی: بیشترین بهره گیری از گاز به عنوان خوراک در کشور برای تولید متانول، آمورنیاک و اوره با هدف صادرات به بازارهای جهانی می باشد و در داخل مصرف چندانی ندارد. درحالیکه میتوان با تکمیل زنجیره های ارزش صنعت پتروشیمی بهره مندی به مراتب بالاتری از این ماده ارزشمند انجام داد. تمرکز بر پتروشیمی های با خوراک گاز ناشی از ویژگی های منابع گازی ایران (هزینه استحصال پایین و مشترک بودن منابع میان دو یا چند کشور) که در نتیجه این امر، گاز با سرعت زیاد استخراج شده و چون صادرات آن نیاز به خطوط انتقال دارد (که این

خود نیز فروش را به همسایگان و کمی دورتر محدود میکند) بنابراین سعی شده گاز به مواد دیگری مانند متانول، اوره و دیگر محصولات پایه تبدیل و با کشتی صادر شود. در تمامی مواردی که شمرده شد، تنوع و عدم تطابق برنامه های مصرف و تولید گاز در کشور را نشان می دهد، از آنجایی که باید بخش قابل توجهی خواسته یا ناخواسته در وضعیت کنونی به مصارف خانگی اختصاص داد اما در دیگر موارد مصرف باید به نکات ریزی دقت نمود به طوری که در بخش صنعت اولویت اختصاص دهی گاز چه به صورت خوراک و چه به صورت سوخت در اختیار صنعت مزیت دار کشور یعنی صنعت پتروشیمی قرار گیرد، البته در نوع تخصیص دهی گاز در بخش صنعت پتروشیمی نیز اختلافاتی وجود دارد، همان طور که قبلا هم بیان شد همین مقدار گاز تخصیص یافته نیز به محصولاتی مانند متانول، اوره و آمونیاک تبدیل شده و بدون هیچ گونه فرآوری دیگری صادرات می شود و این خود نمونه ای از هدر رفت منابع طبیعی و انفال در کشور می باشد چرا که این منابع گازی به جای این که صرف برنامه های سودآوری سریع در کوتاه مدت باشد باید صرف برنامه های سودآور تر، اشتغالزا تر حتی در میان مدت شود.

۳.۵.۴. سازوکارهای نابرابر در قیمت گذاری خوراک گازی و مایع

در نظر گرفتن تخفیف قیمت خوراک با تکمیل زنجیره ارزش به سرمایه گذار مستقل همانند سرمایه گذار کل زنجیره از جمله اقدامات تشویق کننده برای هدایت ساختار صنعت پتروشیمی کشور می باشد.

از آنجایی که تمایل برای خوراک های گازی بسیار بیشتر از خوراک های مایع سوز می باشد، پیشنهاد می شود در مورد خوراک گازی، تخفیف قیمت خوراک با تکمیل زنجیره ارزش به سرمایه گذار مستقل همانند سرمایه گذار کل زنجیره در نظر گرفته شود. در واقع طبق آیین نامه فعلی، وزارت نفت تنها در صورتی تخفیف خوراک را برای سرمایه گذار در نظر می گیرد که تمام زنجیره را از اول تا آخر طی کند که نیاز به سرمایه گذاری وسیع تری نیز خواهد داشت. در واقع اگر سرمایه گذاری به صورت مستقل و صرفا وارد مرحله دوم یا سوم شود، نمیتواند از تخفیف قیمت خوراک استفاده کند و در این صورت مجبور است با حلقه بالایی خود وارد مذاکره شود. لذا پیشنهاد میشود امکان بهره مندی از

تخفیف قیمت خوراک برای سرمایه گذاران مستقل که فقط بخشی از زنجیره را توسعه میدهند نیز فراهم شود.

در آیین نامه فعلی سه حلقه برای توسعه زنجیره ارزش دیده شده که با طی هر مرحله تخفیف های بالاتری شامل خواهد شد (در مورد پتروشیمی های خوراک گازی، تا ۳۰ درصد و در مورد پتروشیمی های خوراک مایع، تا ۴ درصد). در واقع برای بهره مندی از تخفیف بالاتر نیاز است تا چند ماده در زنجیره تولید طی شود تا بتوان به حلقه بعدی رسید، به عبارت دیگر دامنه هر یک از ۳ حلقه، نسبتاً گسترده دیده شده است. پیشنهاد می شود تخفیف خوراک طوری تنظیم شود که برای مثال در صورت تعمیق زنجیره و تولید پلی پروپیلن تخفیفی اعمال و در صورت تولید اکریلونیتریل تخفیف بیشتر اعمال شود. یعنی برای پیشروی در زنجیره به اندازه حتی یک محصول نیز تخفیف های بیشتر برای قیمت خوراک اعمال شود نه اینکه نیاز باشد حلقه وسیعی طی شود. اعمال تخفیف های بیشتر، میتواند بر مبنای شاخص هایی از قبیل ایجاد ارزش افزوده بیشتر، صرفه جویی ارزی، تامین نیاز داخل، تامین خوراک مصرفی داخل، هزینه مورد نیاز به منظور سرمایه گذاری و غیره صورت گیرد.

۶.۴. تمرکز بر برنامه های عمرانی نه توسعه ای

الگوی غالب در صنعت پتروشیمی کشور، الگوی بهره برداری از منابع در مقابل الگوی مبتنی بر تکنولوژی و نگاه غالب نگاه پروژه محور بجای نگاه توسعه محور است. با این رویکرد، اولویت صنعت پتروشیمی کشور، درآمدزایی است نه اینکه این صنعت به عنوان موتور محرک توسعه در کشور مطرح باشد. به همین دلیل برنامه های توسعه صنعت پتروشیمی به تعریف طرح های عمرانی خلاصه و تلاش مدیران و مسئولان مربوط به اجرایی شدن این طرح ها منتهی می شود. ردپای این رویکرد را در برنامه های عملیاتی وزارت نفت برای تحقق اهداف سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی نیز میتوان یافت.

ارزندگی بالای صنایع پایین دستی در میان بخش های اقتصادی مبین این امر است که اگر دولت با تغییر نگاه توسعه ای، به جای گسترش صنایع بالادستی پتروشیمی، به توسعه ی صنایع پایین دستی بپردازد، میتواند زنجیره ی تولید در کشور را قوام بخشد، اما متاسفانه باید گفت که به وضوح پیداست، صنعت پتروشیمی تا کنون نتوانسته صنعتی توسعه آور در کشور باشد. این صنعت به دلایل مختلفی از جمله ساختار دولتی صنعت پتروشیمی، نبود انگیزه برای نوآوری و خلاقیت، عدم تکمیل زنجیره ی تولید و زنجیره ی ارزش، وابستگی خوراک صنایع پایین دستی به سهمیه های مقرر شرکت ملی پتروشیمی، عدم تطابق صنایع پتروشیمی تأسیس شده با مزیت های منطقه ای استان های میزبان و درون گرایی این صنعت به جای صادرات محوری و برون گرایی، به صنعتی ناکارآمد مبدل شده است.

روشن است که الگوی هدف گذاری صنعتی دولت در صنایع از جمله صنعت پتروشیمی که مبتنی بر الگوی چانه زنی است، الگویی بسیار ناکارآمد است، که تنها سرمایه های ملی را هدر می دهد؛ در مقابل، صنایعی همچون صنایع غذایی و یا بخش هایی مانند ساختمان که دولت تاکنون کمترین حضور و دخالت مستقیم را داشته و عملاً بیشتر به سیاست گذاری در این بخشها پرداخته است، توانسته نقش توسعه آفرینی بیشتری را در کشورمان ایفا کند.

در حالیکه صنعت پتروشیمی در سطح ملی به دنبال توسعه ی مجتمع های پتروشیمی است، مکان یابی این مجتمع ها در سطح منطقه ای غالباً بر اساس الگوی چانه زنی مدیران ملی و منطقه ای و نمایندگان مجلس انجام میگردد، زیرا به اعتقاد آنها، ورود مجتمعهای پتروشیمی به استان های آنان، میتواند رونق اقتصادی، اشتغال و درآمد را برای مناطق آنان به ارمغان آورد. از این رو بسیاری از طرح های در دست مطالعه، در حال اجرا و یا اجرا شده ی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در مناطق مختلف کشور، طرح های تکلیفی هستند که توسط مدیران ارشد کشور، وزرای نفت، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مدیران بومی شرکت ملی صنایع پتروشیمی و یا نمایندگان بومی استان ها به این شرکت تحمیل شده است. برای نمایش عینی ناکارآمدی این تفکر، به بیان یک مثال پرداخته تا این تفکر را بر مبنای یکی از بزرگترین طرح های احداث شده پتروشیمی، یعنی طرح های خط لوله ی اتیلن غرب مورد بررسی قرار گیرد. در

آبان ماه سال ۱۳۸۱ با شعار توسعه و اشتغالزایی در مناطق کم تر توسعه یافته ی غرب کشور، دولت مردان تصمیم گرفتند خط لوله ی اتیلنی به طول ۲۲۰۰ کیلومتر از عسلویه تا مهاباد احداث شود. تا علاوه بر ایجاد مزیت نسبی در مناطق نفت خیز نواحی غرب کشور، زمینه ی احداث صنعت پتروشیمی و صنایع پایین دستی در این نقاط فراهم شود. با اجرای این طرح، دولت در حقیقت دو هدف عمده را دنبال میکرد:

الف) جبران عقب ماندگی های استان ها و مناطقی که شاخص های توسعه ای آنها زیر شاخص میانگین کشور است

ب) تحرک بخشی به فرآیند تولید، در مناطق کمتر توسعه یافته.

بنابراین وزارت نفت با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی و مشارکت بخش خصوصی، مکلف شد تا امکانات لازم را برای اجرای این مصوبه را فراهم کند، در مطالعات امکان سنجی این طرح مشخص شد با توجه به هزینه های بالای احداث خط لوله، اگر هزینه های این خط در محاسبات امکان سنجی مجتمع های پتروشیمی لحاظ شود، هیچکدام از شرکتهای دارای توجیه اقتصادی نخواهند بود. از این رو، دو وظیفه ی احداث خط لوله از محل اعتبارات طرح های ملی و ایجاد ساختار غیردولتی برای تأسیس مجتمع های مستقر در طول مسیر خط لوله، به شرکت ملی صنایع پتروشیمی به عنوان مجری طرح محول شد. طرح اولیه ی خط لوله، مبتنی بر احداث ۲ مجتمع تولید اتیلن و ۵ مجتمع پتروشیمی مصرف کننده بود. اما با فشار نمایندگان بومی استان های غرب کشور، شرکت ملی صنایع پتروشیمی مجبور شده که ۴ مجتمع دیگر پتروشیمی را به طرح فوق اضافه کند. از این رو در طرح اولیه ی خط لوله ی اتیلن غرب، یازده مجتمع پتروشیمی قرار گرفتند که در استان های فارس، کهگیلویه و بویر احمد، چهار محال و بختیاری، خوزستان، لرستان، کردستان، کرمانشاه، همدان و آذربایجان غربی تأسیس می شدند. جالب آن است که بسیاری از طرحهای فوق به دلیل صعب العبور بودن مناطق کوهستانی غرب کشور، دارای توجیه فنی نیز برای انتقال اتیلن نبودند. برآورد اولیه ی این طرح در حدود ۷ میلیارد دلار بود. با گذشت زمان و مشخص شدن عدم توجیه فنی و اقتصادی طرح، بسیاری از سهام داران خصوصی

و دولتی طرح، اقدام به عقب نشینی از این طرح کردند. امروزه در حالیکه اجرای لوله گذاری طرح ادامه می یابد.

با بیان این تاریخچه، سؤال اصلی اینجاست که آیا واقعاً احداث مجتمع های پتروشیمی خط لوله ی اتیلن غرب، نتایج توسعه ای مورد نظر طراحان این طرح و دولت مردان و سیاست گذاران را به دنبال داشته است؟ و یا فقط به دنبال تکمیل طرح های عمرانی بوده تا یک رفاه حداقلی را با تحمیل هزینه های گزاف به اقتصاد کشور ایجاد کند؟ مسئله این است که با توجه به ماهیت برنامه ریزی توسعه ی منطقه ای، که در حقیقت تلاشی آگاهانه برای پیشبینی و انجام سلسله اقدامات هدفمند در جهت توسعه ی منطقه است و هم چنین ویژگی های متفاوت منطقه ای استان های میزبان، تأسیس پروژه های پتروشیمی خط لوله ی اتیلن غرب به تنهایی نمی تواند دولت را در جهت افزایش اشتغال و رفع محرومیت از منطقه یاری رساند. به عبارت دیگر، طرح خط لوله ی اتیلن غرب، برای افزایش اشتغال و یا رفع فقر و محرومیت از منطقه، طرحی ناقص و یا ناکارآمد است. این در حالی است که بسیاری از مطالعات فنی و اقتصادی نشان داده است که صنایع پایین دستی مبتنی بر صنایع میان دستی پیشرفته می تواند در مناطق مختلفی از کشور راه اندازی شده و ایجاد اشتغال در مقیاس ها مختلف کرده و یک رفاه نسبی را برای مردم منطقه به وجود بیاورد، شاید ایجاد واحدهای پتروشیمی در شهرها و مناطق نزدیک به میادین گازی و نفتی با حجم سرمایه گذاری و هزینه های ایجاد شده کمتر، و ایجاد شهرک های تخصصی شیمیایی، پلیمری و پلاستیکی در مناطق و استان های دیگر منافع اقتصادی بیشتری در سطح ملی و استانی برای مردم ایجاد می کرد.

منابع:

(جاویدپور و مقدم دیمه، ۱۳۹۵)

(بصیری، سلیمانی و پیغامی، ۱۳۹۶).

(شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ۱۳۹۵).

(اسماعیلی پور ماسوله، گرشاسبی، ۱۳۹۶).

- (میرجلیلی ، ۱۳۹۳ ، ۹)
- (مبانی فقهی مصرف انفال ، ۱۳۹۵ ، ۲۲) .
- (ماهنامه پیام پتروشیمی ، ۱۳۹۲ ، ۲۴) .
- (برومند کاخکی و اخوان ، ۱۳۹۷)
- (عبدی و همکاران ، ۱۳۹۲)
- (شوالپور و همکاران ، ۲۰۱۷) .
- (ولیی زاده و همکاران ، ۲۰۱۷) .
- (ورهرامی ، درگاهی ، بیرانوند ، ۱۳۹۷)
- (موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی ، ۱۳۹۹)
- (بافی ۱ و همکاران ، ۲۰۱۱) .
- (زارعی ، احمدلو ، ۱۳۹۸)
- (دلاوری و همکاران ، ۲۰۱۵) .
- (ذوالفقاری و سحابی ، ۱۳۹۷) .
- (برومند کاخکی و اخوان ، ۱۹۳۷) .
- (مکارم شیرازی ، ۱۴۲۱ ق ، ج ۵ ، ص ۳۵۷)
- (مطهری ، بی تا ، ج ۲۰ ، ص ۵۱)
- (طوسی ، ۱۴۰۷ ق ، ج ۴ ، ص ۱۳۴-۱۳۳ و حر عاملی ، ۱۴۰۹ ق ، ج ۹ ، ص ۵۲۷) .
- (طبرسی ، ۱۳۷۲ ، ج ۹ ، ص ۳۹۲ ، آلوسی ۱۴۱۵ ق ، ج ۲۸ ، ص ۷۱-۷۲ و طباطبایی ، ۱۴۱۷ ق ، ج ۱۹ ، ص ۲۰۴) .

- (صدر ، ۱۴۲۴ه.ق ، ۴۳۴) .
- (حقانی زنجانی ، ۱۳۷۴ ، ۳۴)
- (محمود البعلی ، ۲۰۰۰ ، ۷۸)
- (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ، ۱۳۷۲ ، ۱۰۹) .
- (سبحانی ، ۱۳۷۸ ، ۵۱ و ۵۴)
- (صدر ، ۱۴۲۴ ه.ق ، ۴۶۶) .
- (نوری ، ۱۴۱۳ ق ، ۳۱۸)
- (عمیدی ، ۱۴۱۶ ق ، ۷۱۳؛ مهدوی کنی ، ۱۳۷۹ ، ۱۵۲)
- (توحیدی نیا ، ۱۳۹۱ ، ۱۲۷)
- (ترازنامه انرژی ، ۱۳۸۴:۵۸۶) .
- (یوسفی ، ۱۳۹۴ ، ص ۲۷۸) .
- (نعمتی و خاندوزی ، ۱۳۸۰:۴۸۰) .
- ۲۰۱۸،IHS markit